سخنرانی در مراسم بزرگداشت شهیدان رجائی و باهنر / ۱۳۶۳/۰۶/۰۸

شهید رجائی صریح گفت من طرفدار حزب‌الله هستم. بنده همان وقتی‌که این حرف را از رجائی شنیدم -که در تلویزیون و رادیو داشت سخنرانی میکرد و من هم داشتم می‌شنفتم- با خودم گفتم که این مرد، عقل و دین را با هم آمیخت؛ چون یقین است که در یک جامعه‌ای که سالیان درازی با حکومت تبعیض زندگی کرده، در آن واحد، دل همه‌ی مردم را نمیشود به‌دست آورد؛ باید انتخاب کرد، و رجائی انتخاب کرد؛ همان چیزی که در آن فرمان(۱) معروف امیرالمومنین (علیه‌السلام) به مالک اشتر بود که به عامه‌ی مردم و به توده‌های مردم رو بیاور و آنها را بطلب، آنها هستند که دلشان با خدا آشناتر و مانوس‌تر است، بیشتر در خدمت اهداف خدایی‌اند، دنبال خواص مردم و گروه‌ها و قشرهای ویژه نرو. عامه‌ی مردم هرجا هستند، آنجا اهداف الهی قابل پیاده شدن و تامین شدن است و رهبران اسلامی این را همیشه به ما توصیه کرده‌اند.

بیانات در دیدار ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور / ۱۳۶۸/۰۴/۱۲

نکته‌ی دوم، با مردم بودن و ساده‌زیستی است. البته شما این‌چنین هستید و الحمدلله همه‌ی آقایان از لحاظ زندگی - با عرض نسبتا عریضی در کیفیتها - در سطح متوسط قرار دارند؛ منتها برخی از این حفاظتهای زیادی که در بعضی از شهرستانها مشاهده میشود، به اعتقاد ما غیرضروری است و در جاهایی اصلا حفاظت لازم نیست. این کار، امام جمعه را از مردم دور میکند. نباید وانمود شود که امام جمعه فردی است که مورد تهدید و خطر است و باید برایش محافظ گذاشت.

بیانات در دیدار وزیر و مسئولان ارشد وزارت کشور و استانداران سراسر کشور / ۱۳۶۸/۱۱/۰۱

آقایان! ضمنا در این شهرها و نقاط دوردست، گرفتاری‌های مردم خیلی زیاد است؛ مخصوصا بعضی از استانها، مثل سیستان و بلوچستان، مثل هرمزگان، مثل استانهای دوردست. مشکلات واقعا غیر قابل تصور است. من بعضی از استانها که رفتم، میگویند که در استان ما [وضع] فلان چیز - مثلا آب یا آذوقه یا اشتغال یا چه - حتی از سیستان و بلوچستان [هم] بدتر است. این ناشی از این است که اینها آن استان بد را ندیده‌اند و اطلاع درست ندارند که میگویند. آدمی که همه‌ی این استانها را دیده باشد، [میداند که] انصافا بعضی‌ها وضعشان خیلی بدتر، سخت‌تر و توام با فشار بیشتری است. بخصوص در این استانها، با حرکت در سطح استان، با نزدیک شدن به مردم، با نشستن در محیط زندگی خصوصی مردم - داخل خانه‌شان، داخل کپرشان، داخل چادرشان در آنجایی که چادر دارند - با مشکلات مردم آشنا بشوید و آنها را لمس کنید. هر کسی این [مشکلات] را لمس بکند، برای کار و تلاش - چه در حوزه‌ی خودش، چه در رابطه‌ی با دولت و مانند اینها - یک انگیزه‌ی تمام‌نشدنی پیدا خواهد کرد. خداوند انشاءالله را موفق بدارد. ما هم دعایتان میکنیم و از خدا میخواهیم که همه‌ی برادران عزیزی که در دولت مشغول خدمت هستند، از جمله شما برادران وابسته‌ی به وزارت کشور - چه استانداران و چه بقیه‌ی برادرانی که در وزارت هستند - انشاءالله مشمول توفیقات الهی و مشمول کمک الهی باشند و همه با هم بتوانیم جامعه و کشوری را بسازیم که حقیقتا در چشم دیگران الگو باشد و این مشکلات مردم برطرف بشود.

بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۶۸/۱۱/۰۹

ارزشهایی که ما در انقلاب میخواهیم برای آنها تلاش کنیم، کارمان برای آنها است، دو مبنا دارد و بر دو پایه استوار است: یکی مکتب، یکی مردم. مکتب بدون مردم هم نیست؛ چون مکتب ما مکتبی نیست که از مردم جدا بشود. و اصلا این یک فریب است که ما بیاییم اسلام را از نفع مردم و خیر مردم جدا کنیم، بگوییم ول کنید مردم را و سرنوشت مردم را، بچسبید، به دین و خدا و اسلام! این همان اسلام تحریف‌شده است؛ این همان چیزی است که امام از اول شروع مبارزه با این جنگید. بسیاری از آدمهای خوب و عالم، در این راه و در این صراط حرف امام را فهمیدند؛ و البته بعضی از متحجرین و نادانها هم تا آخر نفهمیدند، هنوز هم بعضی‌ها این حقیقت را نمیفهمند. تفکر اسلامی از مردم، از خیر مردم و برای مردم بودن، جدا نیست. هر چیزی که دیدید به نظر شما اسلام است [اما] مجرد از صلاح مردم، بدانید در شناخت آن اشتباه میکنید؛ در فهم اینکه این اسلام است یا در فهم خود آن شی، محققا اشتباهی وجود دارد. پس پایه‌ی ارزشهای اسلامی و ارزشهای انقلاب ما، بر این دو پایه است.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در روز نیروی هوایی / ۱۳۶۸/۱۱/۱۹

شاید امروز کسانی در مقام تحلیل برایشان دشوار باشد که قبول کنند پیوستن ارتش به انقلابیون و به مردم، کار پیروزی را آسان کرد و جلو انداخت؛ شاید خیال کنند که این حرف، از نقش مردم و مردمی بودن انقلاب خواهد کاست؛ درحالی‌که این اشتباه است. هنر یک انقلاب همین است که میتواند عناصر نیروهای مسلح دشمن را هم متوجه به خود کند و به حقانیت خود معتقد کند و جزئی از خود کند؛ و کرد. این حقانیت انقلاب و حقانیت مردم بود که توانستند نیروهای مسلح را و ارتش را از خود کنند، در جناح خود قرار بدهند، و همین موجب شد که پیروزی آسان شد و زود شد. بدون این هم شاید پیروزی به دست می‌آمد، اما با زحمات زیاد و شاید با یک فاصله‌ی طولانی‌تر.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران / ۱۳۶۸/۱۱/۲۰

خصوصیت دوم، مردمی بودن است. در همه جای دنیا، انقلابها -آنهایی که حقیقتا انقلاب بودند؛ کودتاها و حرکات نظامی و مانند اینها را کاری ندارم- همیشه به دست مردم به وجود آمده؛ اما بعد از آنکه به پیروزی رسیده یا در آستانه‌ی پیروزی قرار گرفته، احزاب یا حزب آمده، جای انقلاب را گرفته، جای مردم را گرفته و مردم کنار رفته‌اند؛ مثل خیلی از این کشورهای کمونیستی دنیا که نظامهایشان نظامهای انقلابی بودند -یعنی با یک انقلاب به وجود آمده بودند، مردم در آن نقش داشتند و به گروه انقلابی و مبارز کمک کرده بودند؛ در اغلب این کشورهای سوسیالیستی این‌جوری بود- اما در همه‌ی این کشورها بمجرد اینکه انقلاب به پیروزی نزدیک شد یا رسید، مردم شدند هیچکاره، حزب -حزب کمونیست یا هر اسم دیگری برای آن حزب حاکم داشتند- آمد و شد همه‌کاره! هر کاری خواستند بکنند به اسم مردم کردند، اما مردم در هیچ کار نقش نداشتند. همان مردمی که به خیابانها آمده بودند یا به یک نحوی از انحا مبارزه کرده بودند یا مثلا از گروه مبارز پشتیبانی کرده بودند، حتی این حق را نداشتند که یک نماینده به مجلس قانونگذاری بفرستند. در هیچکدام از این کشورها و در هیچکدام از این کنگره‌های ملی - که شنیده‌اید و می‌شنوید «کنگره‌ی ملی» و همان مجالس قانونگذاری این کشورها است- نمایندگان مردم حضور ندارند؛ اصلا مردم هیچ نقشی نداشتند. این، خیلی چیز عجیبی است؛ اما همین چیز عجیب، همه جای دنیا بود. در یکی از سفرهایی که یکی دو سال قبل به یکی از همین کشورهای سوسیالیستی رفته بودیم، یکی از همراهان ما -که از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی بود- رفته بود با مقامات مجلس ملی آن کشور، راجع به مجلس صحبتهایی کرده بودند؛ اطلاعاتی از مجلس ما به آنها داده بود، اطلاعاتی از مجلس آنها گرفته بود. ما نشسته بودیم راجع به یک موضوعی صحبت میکردیم؛ ایشان با یک قیافه‌ی خیلی جدی آمد پیش ما؛ گفت ما چیزهای مهمی از این آقایان یاد گرفتیم -یعنی از این کسانی که ما مهمانشان بودیم- راجع به مجلس با اینها صحبت کردیم، از اینها پرسیدیم که مجلس شما چه‌جوری است، چند عضو دارد، کی‌ها تشکیل میشود، رئیسش چه‌جوری انتخاب میشود و از این قبیل، معلوم شد که مجلس ملی اینها متشکل از افرادی است که به‌وسیله‌ی دستگاه‌ها و سازمانهای حزبی وابسته‌ی به خود حکومت تشکیل میشود؛ یعنی مثلا پانصد نفر، ششصد نفر آدم به‌عنوان اعضای کنگره و نمایندگان کنگره به‌وسیله‌ی همان دستگاه‌های حزبی انتخاب میشوند؛ بعد این افراد -که اسمشان کنگره‌ی ملی است- سالی دو مرتبه جلسه تشکیل میدهند؛ سالی دو بار!

خب، شما ببینید در این مملکت، در این کشور -که فقط سالی دو مرتبه مجلس قانونگذاری‌شان تشکیل میشود- پس قانون را چه کسی وضع میکند؟ اختیار قانونگذاری پس دست کیست؟ دست همانهایی است که در راس تشکیلات حکومت قرار دارند. اگر [هم] بپرسی اسم حکومت شما چیست، میگویند حکومت دموکراتیک سوسیالیستی فلان کشور -اسم کشورشان را هم می‌آورند- یعنی حکومت مردمی. دموکراتیک، یعنی مردمی؛ سوسیالیستی، یعنی عمومی و مردمی؛ اسمش مردمی است، درحالی‌که در هیچ امری از امور آن کشور مردم دخالت ندارند؛ و این همان مردمی هستند که انقلاب را به پیروزی رساندند. اسم این کشورها هم کشور انقلابی است. همه‌ی انقلابهایی که ما در دنیا دیدیم و کشورهایی که بر اساس یک انقلاب، نظامی را به وجود آوردند، تقریبا به همین شکلی بودند که عرض کردم.

حالا در کشور ما، انقلاب از روز اول، همه‌ی نقشها را در همه‌ی امور به مردم داده. یعنی مجلس را - که محل قانونگذاری است -مردم تشکیل میدهند و نمایندگان مردم میروند آنجا، هیچ کس هم حق ندارد به مردم تحمیل کند. از این ۲۷۰ نماینده‌ای که در مجلس شورای اسلامی ما هستند، یک نفر هم بدون آرا مردم به مجلس نمی‌آید. رئیس‌جمهور را -که مجری امور کشور و رئیس اداره‌ی کشور و مدیر کشور است- مردم با آرا خودشان انتخاب میکنند. هر کسی را دلشان خواست انتخاب میکنند؛ اختیار با مردم است. این وضعی که انتخابات ریاست جمهوری در ایران دارد، حتی در کشورهای دموکراتیک غرب هم نیست؛ چون در آن کشورها احزاب در مقابل هم صف‌آرایی میکنند و هر حزبی اسم کسی را به‌عنوان کاندیدا ذکر میکند. مردمی که به آن کس رای میدهند، درحقیقت به آن حزب رای میدهند، خیلی‌ها آن کس را اصلا نمی‌شناسند. [چون] طرفدار این حزبند -به هر جهتی؛ انگیزه‌های اقتصادی، انگیزه‌های گوناگون سیاسی و غیرسیاسی موجب میشود که طرفدار فلان حزب باشند- به‌خاطر طرفداری آن حزب، به کاندیدای آن حزب رای میدهند؛ خود آن کاندیدا را هم اصلا نمی‌شناسند. در ایران این‌جوری نیست. در ایران یکایک کسانی که کاغذ رای را در صندوق می‌اندازند، آن شخص را می‌شناسند و به‌عنوان رئیس‌جمهور به او رای میدهند. این دوره همین‌جور بود؛ دو دوره‌ی قبل هم که بنده رئیس‌جمهور بودم، همین‌جور بود؛ دوره‌ی قبل از آن هم همین‌جور بود. در همه‌ی این ادوار ریاست جمهوری -که تا حالا ما پنج انتخاب رئیس‌جمهور داشته‌ایم- مردم به آن کسی که رای دادند، خودشان شناختند و به او رای دادند. پس در انتخاب دستگاه قانونگذاری، مردم مباشرتا و مستقیما دخالت میکنند؛ در انتخاب دستگاه اجرائی و رئیس قوه‌ی مجریه، مردم خودشان دخالت میکنند.

حتی در انتخاب رهبر -با اینکه رهبری یک منصب الهی است و تابع ملاکهای الهی و معنوی و واقعی است- باز مردم نقش دارند. کمااینکه مشاهده کردید طبق قانون، مجلس خبرگان که نمایندگان مردمند، می‌نشینند کسی را معین و انتخاب میکنند. اگر همان کسی که مجلس خبرگان انتخاب کرده، مورد قبول مردم نباشد، باز رهبری او جا نخواهد افتاد. پس آحاد مردم و عامه‌ی مردم علاوه‌ی بر اینکه به‌صورت غیرمستقیم - از طریق مجلس خبرگان - رهبر را معین میکنند، مستقیما هم نسبت به شخص رهبر نظر دارند و تصمیم دارند؛ و نظر آنها و تصمیم آنها و خواست آنها و اراده‌ی آنها است که یک رهبر را درحقیقت رهبر میکند و به او امکان تصرف میدهد و به او قدرت امر و نهی میدهد و قدرت قبض و بسط میدهد؛ [این به‌خاطر] پشتیبانی مردم است. اینجا هم مردم حضور دارند. حالا در مثل امام بزرگوارمان که مسئله اصلا جور دیگری بود؛ آنجا عشق مردم بود، بیش از انتخاب آنها؛ مردم عاشقانه نسبت به امام، اطاعت و تبعیت و تسلیم داشتند.

در فعالیتهای سیاسی، مردمند؛ در فعالیتهای اقتصادی، مردمند؛ در حرکت نظامی، مردمند. اگر امروز دولت یا یکی از مسئولین بخواهد یک حرکتی را انجام بدهد که مردم آن را نپسندند، میتوانند جلویش را بگیرند. مردم همه جا حضور دارند؛ این خصوصیت انقلاب ما است؛ هیچ انقلابی در دنیا این‌جوری نیست؛ و این استثنائی است. ما این را از روی بصیرت و اطلاع از نزدیک عرض میکنیم. انقلاب ما از این جهت هم یک استثنا است.

نتیجه‌اش چیست؟ نتیجه این است که نظام، نظام مستحکمی است؛ زیرا نظام مردمی است. آن چیزی که به‌وسیله‌ی ابرقدرت‌ها قابل از بین رفتن است، عبارت است از یک حکومتی که متکی به مردم نیست. آن چیزی که به‌وسیله‌ی عوامل سازمان جاسوسی آمریکا در یک کشور قابل برداشتن و گذاشتن است، یک حکومتی است یا یک دولتی است که با مردم رابطه‌ای نداشته باشد و پشتوانه‌ی عظیم قوی مردمی پشت سرش نباشد. آن که دشمن خارجی میتواند چهار نفر را علیه او تحریک کند و به کودتا وادار بکند، یک حکومتی است که روی تخت حکومت نشسته، اما مردم به آن وصل نیستند؛ مردم برای خودشان میروند، آن [هم] برای خودش دارد حرکت میکند. آن نظامی که در آن، حاکم - چه رهبر، چه ریاست جمهوری، چه ریاست قوه‌ی قضائیه، چه مجلس شورای اسلامی - متکی به مردم و متصل به مردم و مورد علاقه‌ی مردم و مورد پشتیبانی و حمایت مردم است، [نظامی] مثل نظام جمهوری اسلامی است که نه آمریکا و متحدینش و نه شرق و غرب -آن روزی که دو قدرت بزرگ در دنیا وجود داشت- و نه هیچ قدرتی، قادر نیست این نظام را و این حکومت را متلاشی و بلکه متزلزل کند.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۶۸/۱۲/۰۳

نقاط مثبت در جامعه‌ی روحانیت که جامعه‌ی علمی شیعه است، چند چیز روشن است: یکی علم است، یکی زهد -بی‌اعتنائی به دنیا- است، یکی شجاعت است در مقابل قدرتها و در مقابل زور، یکی اتصال به توده‌ی مردم است؛ که هیچ فرقه‌ای از فرق روحانی در عالم، این خصوصیت آخر را مثل روحانیت ما نداشته‌اند، الان هم ندارند؛ مردمی بودن، درد مردم را احساس کردن، برای مردم دل سوزاندن و کار کردن، به دشمنان مردم نزدیک نشدن؛ اگر این خصوصیت نبود، اطمینان مردم به روحانیت جلب نمیشد که به خیابانها بیایند و آن‌جور جان خودشان را در راه آرمانهای این انقلاب در معرض خطر قرار بدهند. اینها خصوصیات مثبت روحانیت است؛ اینها را بشدت حفظ کنیم.

بیانات در دیدار با ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور / ۱۳۶۹/۰۳/۰۷

قصری که قبلا حاکم پرتغالی در کشور موزامبیک در آن استقرار داشت و حکومت میکرد، همان قصری بود که «سامورا ماشل»، رهبر انقلابی موزامبیک - که بعد هم کشته شد - در آنجا زندگی میکرد. او از من هم در همان قصر پذیرایی کرد و من دیدم که وضع با گذشته فرق نکرده است. در آنجا فرشی بود که من مشغول نگاه کردن به آن شدم. گفت: این، از آن فرشهایی است که از زمان پرتغالیها مانده است. دیدم نه فقط در همان قصر و در همان زندگی و در همان تشریفات زندگی میکردند، بلکه به همان روش هم زندگی میکردند! انگارنه‌انگار که اینها یک گروه انقلابی و مردمیند؛ که واقعا مردمی هم نبودند و اصلا در آنجا از مردم خبری نبود.
ما وقتی میخواستیم وارد سالن میهمانی بشویم، دیدیم در کنار در بزرگی که این سالن را به سالن پذیرایی وصل میکرد، دو نفر ایستاده‌اند؛ درست مثل غلامهای افسانه‌یی در دربار سلاطین که در آن، حاکم پرتغالی هم همان‌طور زندگی میکرده است. واقعا دو نفر غلام سیاه بودند. حالا این دو نفر، سیاه بودند؛ اما دیگر غلام نبودند؛ چون خود حاکم هم از همان گروه بود. این دو نفر مامور با لباسهای مشخصی، غلامگونه دو طرف در ایستاده بودند و باید طوری عمل میکردند که وقتی سلطان - یعنی همین رهبر انقلابی - با میهمانش که من بودم، در مقابل این در میرسیدیم، این دو لت در به‌طور برابر و طاقباز، باز شده باشد و اینها در حال تعظیم باشند و همین کار را هم کردند! من لبخند میزدم و نگاه میکردم؛ بعد هم با او - که خودش را مثل همان حاکم پرتغالی، با همان ژستها گرفته بود - وارد سالن میهمانی شدیم. همه جا همین‌طور بود.
مسافرتهایی که من به خارج از کشور میکردم، غالبا به همین کشورهایی بوده است که به اصطلاح در آنجاها انقلابی اتفاق افتاده است. مثلا لیبی، الجزایر، موزامبیک، زیمبابوه، چین و کره‌ی شمالی، غالبا از این قبیل بوده است. ما زندگی و تفکر و رابطه‌ی رجال و رهبران انقلابی با مردم را از نزدیک دیده‌ایم و لمس کرده‌ایم. هیچ‌کدام از اینها، مصداقی برای آن مفهومی که از یک انقلاب و حکومت مردمی در ذهنمان هست، نیست. لذا وقتی هم میمیرند، تشییع جنازه‌شان،

همان تشییع جنازه‌یی است که برای سلاطین انجام میگیرد، و نه چیزی بیشتر. از مردم خبری نیست. مردم در هیچ قضیه‌یی از قضایای این کشورها، نقش و حضور ندارند؛ چون در انقلابشان، مردم نقش و حضور نداشتند. کودتایی شده، حزبی سر کار آمده، قدرت را به دست گرفته، رقبایش را از بین برده و گاهی سالها با هم رقابت کرده‌اند و جنگ قدرت به راه انداخته‌اند.

بیانات در دیدار با ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور / ۱۳۶۹/۰۳/۰۷

انقلاب ما بر دوش مردم - به معنای واقعی کلمه - قرار دارد. همه‌ی ماها شاهد این واقعیت بوده‌ایم و هیچ‌کس بین ما خبر بیشتری از نفر دیگر ندارد. جمهوری اسلامی هم، همین‌طور پیش آمد. رابطه‌ی جمهوری اسلامی با مردم، با رابطه‌ی کشورها و حکومتهای دیگر، بکلی متفاوت است. مسوولان درجه‌ی یک کشور، رئیس‌جمهور، وزرا و دیگران و دیگران، مظهر مردمیبودنشان این نیست که در کوچه و بازار راه بروند و مثلا خودشان گوشت و نانشان را بخرند. این طبیعی است که علاقه و مراجعات و احتیاج و عشق مردم نمیگذارد. کسی که اشتغال و کار دارد، باید هر دقیقه‌ی وقتش، صرف کارهای مهم بشود. معنا ندارد که بگویند شما چرا مثلا ساعتهای متمادی نمیروید در مسجدی بنشینید، تا مردم بیایند به شما مراجعه کنند! این، عملی نیست. مظهر رابطه‌ی مردم با مسوولان، اینها نیست.

...

من به کشوری رفته بودم که رئیس‌جمهور آن تشریفاتی و نخست‌وزیرش همه‌کاره - یعنی رئیس دولت و کشور - بود. از لحاظ تشریفاتی، رئیس‌جمهور در مراسم استقبال ما شرکت کرده بود، بعد هم چند دقیقه‌یی با ما بود و سپس رفت و دیگر نیامد و ما با نخست‌وزیر آن کشور، مشغول صحبت و مبادله‌ی نظر و مذاکره و قرارداد شدیم. رئیس‌جمهور، اتفاقا کشیش بود. در آن چند لحظه‌یی که با او بودم، از او پرسیدم که شما چون کشیش هستید، آیا کلیسا هم میروید و در حال ریاست جمهوری، مراسم مذهبی را انجام میدهید؟ گفت: نه، من اصلا وقت نمیکنم به کلیسا بروم! هفته‌یی مثلا یک بار و یا گاهی چند هفته یک بار - حالا یادم نیست، او زمان دوری را معین کرد - به کلیسا میروم! بعد صحبت شد، گفت: من ورزش هم میکنم و فوتبالیستم (تیم فوتبال داشت). گفتم: شما فرصت میکنید؟ گفت: بله، من هر روز فوتبال بازی میکنم! یعنی با آنکه کشیش بود، اما وقت کلیسا رفتن نمیکرد؛ ولی هر روز ورزش میکرد! رئیس‌جمهوری که در مملکت کاره‌یی نیست، میتواند ساعتها وقت خودش را برای فوتبال بازی کردن و شرکت در بالماسکه و شرکت در ماهیگیری پای فلان رودخانه صرف کند. این، مظهر مردمی بودن نیست.

مظهر مردمی بودن ما این است که امروز مردم بین خودشان و مسوولان کشور، فاصله‌ی حقیقی احساس نمیکنند. این، نعمت بزرگی است. امروز اگر هریک از آحاد این مردم، با رئیس‌جمهور این کشور ملاقاتی داشته باشد، احساس نمیکند که با او فرق دارد. آن حالت اشرافی‌گری و اوج کاذب طبقاتی که شاید بتوانم بگویم در همه‌ی حکومتها - تا آن‌جا که ما میدانیم - وجود دارد، در جمهوری اسلامی نیست. وزرا، جزو همین مردم معمولی کوچه و بازارند. آنها از یک خانواده‌ی اشرافی جدا نشده‌اند به مسند وزارت بیایند. به خاطر مسوولیت و تخصص و آگاهییی، آنها را از داخل دانشگاه، یا از فلان شغل آورده‌اند و در راس وزارت گذاشته‌اند. وقتی هم که از کار منفصل میشوند، باز سراغ همان شغل قبلیشان میروند.

بیانات در دیدار با ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور / ۱۳۶۹/۰۳/۰۷

جمهوری اسلامی، انقلاب و نظام و کارش مردمی است و مردم از ریزترین کارها مطلع میشوند؛ مگر آن چیزهایی که گفتنش مفسده‌یی بار بیاورد. در دوران جنگ، چیزهایی بود که گفتنش مفسده داشت؛ لیکن در غیر این امور، هر چیزی که اتفاق بیفتد، اول بایستی مردم در جریان قرار داده بشوند. در زمان امام (رضوان‌الله تعالیعلیه) همین‌طور بود. هر وقت بنا بود کاری انجام بگیرد، با ایشان مشورت میشد. از مطالبی که ایشان مکررا میفرمودند، این بود که کاری که میکنید، طوری باشد که بتوانید به مردم بگویید؛ یعنی قابل طرح برای مردم باشد.

معیارها، فهم و درک مردم از انقلاب است. نظام ما، نظام مردمی است؛ نه نظام حزبی که ریسمانهایش به نقطه‌یی وصل است و در آن نقطه، یک حزب نشسته و هر کاری که میخواهد، انجام میدهد. نخیر، این‌جا اجزای اصلی نظام، در تمام کشور - حتی در روستاها و شهرهای دورافتاده و در بخشها - پراکنده‌اند.

این مردمی که در هر شهری هستند، اجزای اصلی نظام و تعیین‌کننده میباشند. اگر خدای نکرده جنگی بشود، اینها هستند که باید بیایند دفاع کنند. اگر سازندگی باشد، اینها هستند که در سازندگی باید شرکت کنند. اگر حمایت از حرکتی باشد، به وسیله‌ی اینها باید انجام بگیرد. اگر خنثی کردن توطئه‌ی دشمن باشد، به وسیله‌ی اینها باید انجام بگیرد. دشمن هم که میخواهد کاری انجام بدهد، چون از کودتای نظامی و تهاجم خارجی مایوس است، به فکر کار کردن روی ذهن همین مردم میافتد.

...

در این نظام، مجموعه و صحنه‌ی عظیمی پر از مردم را تصور کنید. اگر در وسط این تشکیلات، مرکز هدایت عمومی - یعنی دستگاه رهبری - را فرض کنیم، آن پایگاهها و مراکز نزدیک به ذهن و گوش و چشم مردم در سرتاسر کشور، نمازهای جمعه است. یعنی نمازهای جمعه در هرجایی از نقاط کشور، بهر و بخشی از کار دستگاه رهبری این کشور را انجام میدهند، مردم را توجیه میکنند، به استقامت در راه وادار مینمایند، از اشتباهات دور نگه میدارند، ذهن مردم را با معارف لازم آشنا میکنند، دشمنان را نسبت به نفوذ در اذهان مردم مایوس میکنند، از این‌که دشمن بتواند روی مردم اثر سو بگذارد، مانع میشوند و مردم را به حرکت و تلاش در مجموعه‌ی کلی نظام وادار میکنند. وقتی نظام مردمی است، همه‌ی مردم باید حرکت کنند، تا نظام راه بیفتد؛ والا اگر عده‌یی از مردم حرکت نکردند، حرکت نظام، کند خواهد شد.

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا و آزادگان / ۱۳۶۹/۰۸/۰۲

امروز اکثر کسانی که در این مجلس محترم مشغول خدمت هستند، قطعا احساس وظیفه میکنند؛ در این شکی نیست. نمایندگان ما، در بین نمایندگان مجالس ملی دنیا نمونه‌اند. بدانید هیچ جا، نه در کشورهای غربی و نه در کشورهای شرقی - که همه‌اش دیگر حالا مثل هم است - نه در کشورهای اسلامی و نه غیر اسلامی، نمایندگان مجلسها، به صفا و پاکی و مردمی بودن و مسوولیت‌شناسی و خلوص نمایندگان ما در این مجلس عظیم‌الشان شورای اسلامی نیستند. هیچ‌کس مثل اینها نیست. اینها خیلی خوب هستند، منتها باید خودشان این را پیش از دیگران حفظ کنند. نکند چهار نفر آدم جاهل، عصبانی و بیتوجه به مسوولیت، حرکتی بکنند و مجموعه‌ی پاک و مطهری را زیر سوال ببرند.

پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۰ / ۱۳۷۰/۰۱/۰۱

امیدوارم که ملت ایران با کسب تجربه از گذشته‌ها، برادری و همکاری و همدلی در میان یکدیگر را قدر بدانند و آن را هرچه بیشتر کنند. مردم با هم مهربان باشند و به کمک یکدیگر بشتابند؛ بخصوص در این ایام به کمک مستمندان بشتابند. کسانی که دارند و می‌توانند، حتما به کسانی که نادار و محتاج و مستمندند، کمک کنند. این روح همکاری و همیاری در میان ملت ما - که سنت قدیمی و دستور عالی اسلام است - چیز بسیار ارزشمندی است؛ آن را حفظ کنید و بخصوص در ایام عید و ایام ماه مبارک رمضان، آن را بیشتر اهمیت بدهید. روحیه‌ی مردم‌دوستی، روحیه‌ی ایثار و ازخودگذشتگی، برای دیگران فکر کردن و کار کردن، روحیه‌یی است که ملت ما را به نتایج و غایات این حرکت خواهد رسانید.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۷۰/۱۰/۱۹

آن روزی که آن امام بیدیل و آن خلف صالح انبیا و اولیا، به پشتیبانیهای شما مردم قم، در مقابل کفر و استکبار استوار ایستاد و فریاد دل این امت را از حنجره‌ی

الهی خود سرداد؛ هم آن روزی که امام بزرگوار، قم را مرکزی برای پرتوافکنی قرارداد و تعالیم و پیام خود را از آنجا به همه جا فرستاد؛ هم در دوران پیروزی انقلاب، هم در دوران جنگ تحمیلی، هم در پیچهای خطرناک سیاسی انقلاب، همه جا مردم قم - این مردم مومن و حقیقتا حزب‌الله - و در بخش اعظم حوادث، حوزه‌ی علمیه‌ی قم و علما و مدرسین بزرگ و طلاب جوان و پرشور و محافل درس و مدارس آمیخته‌ی با علم و جهاد، به کمک انقلاب آمدند و بازوی امام محسوب شدند و انقلاب را از خطرناکترین گذرگاهها گذراندند. این، نشانه‌ی آن است که نهضت، مردمی و دینی است؛ متکی به مردم و هدایت یافته از دین و حرکت‌کننده به سمت هدفهای الهی است؛ که خیر و سعادت مردم هم در آن است.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۷۰/۱۰/۱۹

نکته‌ی دوم هم که بسیار حایز اهمیت است، مساله‌ی مردمی بودن این انقلاب و این نظام مقدس است. هرچه کردند و هرچه شد، مردم کردند. امام بزرگوار هم متکی به همین آحاد و نفوس مومنه‌ی مردم بود. مسوولان کشور - خدمتگزارانی که بوده‌اند و هستند - قدرتشان، جراتشان، توان معنوی و روحی مقابله‌شان با تهدیدها و مبارزطلبیهای استکبار و قدرتهای شیطانی، به پشتوانه و پشتیبانی همین ملت است. اتصال نظام، دولت، حکومت و مسوولان با مردم، یکی از همان نعمتهای معجزه‌آسای الهی است. اگر مردم نبودند و این اخلاصها و این شورها و این فداکاریهای بی‌نظیر و محیرالعقول نبود - که انسان از این مایه‌ی ایثاری که در آحاد مردم مشاهده میکند، واقعا مبهوت میماند - انقلاب هم پیروز نمیشد، جنگ هم به پیروزی نمیرسید، در میدانهای سیاست هم پیروزی نبود، در مقابل محاصره‌ی اقتصادی دشمن هم توان مقاومت باقی نمی‌ماند؛ والا شما تصور میکنید که شیاطین حاضرند یک حکومت و یک پرچم اسلامی را این‌طور برافراشته در عالم تحمل کنند؟

بیانات در مراسم سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۷۱/۰۳/۱۴

جمهوری اسلامی، میتواند با جهتگیریهای مختلفی تحقق یابد. آنچه‌که این جهتگیریها را به صواب نزدیک میکند و مورد قبول و اعتقاد امام رضوان‌الله‌تعالیعلیه بوده است، اینهاست:

...

دهم، حفظ مردمی بودن حکومت و ایجاد رابطه با مردم و حفظ ارتباط با آنها. لذا امام، هم به مسوولین سفارش میکردند که «از مردم جدا نشوید؛ با مردم باشید؛ زی مردم را داشته باشید؛ به فکر مردم باشید» و خلاصه، رابطه را از طرف مسوولین تامین میکردند، هم متقابلا به مردم سفارش مسوولین و دولتها را میکردند. یعنی امام با کسانی که ارگانهای نظام و دولت را تضعیف مینمودند، به نحوی از انحا مقابله میکردند.

بیانات در دیدار مهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم بزرگداشت دهه فجر / ۱۳۷۱/۱۱/۱۸

نقطه دیگری که برای دشمن بسیار مهم است، موضوع مردمی بودن دولت و مجلس و مسوولان کشور است. در کشورهایی که مثلا دمکراسی وجود دارد، اگر شما نگاه کنید، میبینید غالبا دولتمردان یا از سرمایه‌داران و یا وابسته به سرمایه‌دارانند و مجلسهایشان را غالبا افراد متنفذ، پولدار، قدرتمند و زور دار پر میکنند. در کشورهایی هم که دم از دمکراسی میزنند، وضع به همین‌گونه است. در کشورهای معروف و نام آشنای جهان، غالب کسانی که در راس حکومتها قرار میگیرند از خانواده‌ها و قشرهای شناخته شده سیاسی، مالی، نظامی و یا اشخاص وابسته به طبقات دارای زر و زورند. در ایران اسلامی این‌گونه نیست. مجلس شورای اسلامی متکی به عناصری از متن مردم است. یک معلم، یک کشاورز، یک روحانی، یک پزشک، یک کاسب یا یک دانشجو، به یک منطقه انتخاباتی رفته است و مردم او را شناخته‌اند، به او رای داده‌اند و به مجلس شورای اسلامی وارد شده است. دولت جمهوری اسلامی نیز همین‌طور است. کسانی که در راس مسوولیتهای دولتی قرار دارند، افرادی هستند که عمر و جوانی خودشان را در مبارزات و سختیها و شدایدگذرانده‌اند. مثل رئیس‌جمهور عزیز ما؛ همین شخصیت برجسته‌ای که عمر و جوانیاش را در راه مبارزات گذاشته است. همکاران او هم کسانیاند که سوابق مبارزاتی و یا قابلیتها، آنها را به سمت مسوولیتها کشانده است. هیچ‌کدامشان به یک خانواده ثروتمند، به یک مجموعه اشرافی، به یک فامیل مشهور ریشه‌دار قدیمی، به یک کمپانی و یا به قشری از قشرهای دارای زر و زور، وابسته نیستند. همه از مردمان معمولی و انسانهای سالم و صادقند. مهندسی، دکتری، آدم کار کرده مجربی را آورده‌اند و مشغول کار کرده‌اند. این هم یک نکته است که دولت، دولتی مردمی است. لذا مردم، هم مجلس، هم دولت و هم مسوولین را دوست میدارند؛ چون میبینند که اینها از جنس خودشان هستند. روی این نقطه هم، دشمن فعالیت می کند. دشمن تلاش میکند دولت و مسوولین را در چشم مردم از صلاحیت و ابهت لازم ساقط کند. این، کار دشمن است. تخصص دشمن در این است که خبرها را تحریف کند و واقعیتهارا دروغ جلوه دهد.

بیانات در دیدار مهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم بزرگداشت دهه فجر / ۱۳۷۱/۱۱/۱۸

نقطه دیگری که دشمن روی آن تلاش میکند، روحانیت است. روحانیون چون در بین مردم محبوبیت و نفوذ و شخصیت داشتند، توانستند در دوران اختناق، پیام مبارزه را تا اعماق جامعه پیش ببرند و همه را از نظرات امام مطلع کنند. روحانیت مبارز این کار را کرد. مردم، روحانیت را دوست میداشته‌اند و به آنها اعتماد دارند. این اعتماد و ابراز محبت به روحانیون در کشور ما، یک سنت مربوط به طول قرنهاست. روحانیت اسلام در داخل کشور ما، متکی به مردم است و هیچ وقت وابسته به قدرتها نبوده است. امروز هم روحانیون به هیچ قدرتی وابسته نیستند و صددرصد مردمیاند. مردم ما همیشه قداستی برای روحانیت قائل بوده‌اند و بحمدالله، امروز هم قائلند. مردم، روحانیت را مجموعه‌ای پاک و سالم و قابل اعتماد میدانند. میبینیم دشمن، از تجربه‌های خود در این زمینه، استفاده میکند. دشمن میفهمد که باید روحانیت را در چشم مردم، از حیثیت و اعتبار انداخت. همه تلاششان این است! تبلیغات میکنند، دروغ میگویند، اگر مساله کوچکی را در جایی پیدا کنند، چندین برابر بزرگ میکنند و برای این‌که روحانیت را از چشم مردم بیندازند، خوبیها و گذشتها و فداکاریها را نمیگویند. علم و دانش روحانیت را انکار میکنند و تقوای آنها را منکر میشوند؛ همچنان که پنجاه سال، در دوران رژیم پهلوی هم از این کارها میشد. روحانیت، که مجموعه‌ای علمی و تقوایی است، به وسیله بلندگوهای رژیم پهلوی، فاقد علم و تقوا معرفی شده بود. امروز هم همان تبلیغ کذا انجام میگیرد.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۷۲/۱۱/۱۷

امروز، هنوز عده‌ای از همان بقایای نسل پرورش یافته دوران رضاخان - که دل سنگی داشتند و تحت تاثیر حقایق آشکار شده بعد از جمهوری اسلامی قرار نگرفتند - هستند که با نظام جمهوری اسلامی بدند؛ برای این‌که در راس این نظام یک روحانی است.

...

پارساییها، عدالت طلبیها، ظلم ستیزیها، مردمگراییها، انس با مردم و از مردم بودن مسوولان جمهوری اسلامی را میبینند و در عین حال، دشمنند! چرا دشمنند؟ برای این‌که در این مملکت پنجاه سال علیه روحانیت تبلیغات شده است. یک قزاق قلدر بیسواد بیمعرفت وابسته فاسد معتاد بدبخت، آمد و خودش و پسرش، پنجاه سال بر این مملکت حکومت کردند. آن آقایان که به اصطلاح، خودشان را «منورالفکر» هم میدانستند، تا کمر در مقابل آن بیسوادهای بیمعرفت بیدین، که واقعا هیچ چیز نداشتند - یعنی سلسله پهلوی - خم میشدند. حالا گذشتگان گاهی در وجودشان چیزکی از علم و معرفت و فهم و عقلانیت وجود داشت. ولی این بیچاره‌ها - این پدر و پسر - به‌کلی از همه چیز تهی بودند. در مقابل اینها خضوع کردند و تسلیم شدند. اما نظام جمهوری اسلامی را که برمبنای معرفت و علم و تقوا و توجه به خداست، قبول نمیکنند! برای چه؟ به سبب تبلیغاتی که علیه روحانیت شده است.

دیدار مردم دهدشت با رهبر انقلاب / ۱۳۷۳/۰۳/۱۸

رهبر انقلاب اسلامی به مردمی‌بودن نظام اسلامی اشاره کردند و فرمودند: وجود ۵۳ شهید در این منطقه نشانه روشنی از عشق و ایمان و علاقه عاطفی مردم با نظام است و مردم و مسئولان باید ارزش والای این ارتباط معنوی را با محبت روزافزون به یکدیگر قدر بدانند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۶/۰۲/۰۶

امیرالمومنین علیه الصلاه والسلام که مظهر ولایت اسلام و مصداق کامل ولی‌ای است که برای مردم مشخص شده است، در هیچ برهه‌ای، از این حالت ارتباط و اتصال و انسجام با مردم خالی نبوده است. نه در دورانی که او را عملا از حکومت کنار گذاشتند و مردم را از او به عنوان ارتباط حکومتی جدا کردند؛ یعنی عملا حکومت را از او گرفتند، ولایت و حکومت و فرماندهی و حکمرانیای که در اسلام، از آن به «ولایت» تعبیر میشود و حق او بود از او سلب کردند - البته ولایت معنوی، آن چیزی که در امامت تشیع فرض شده است و وجود دارد، در هر حال هست و بسته به ولایت ظاهری نیست - و نه در دوره‌های دیگر، از ارتباط و اتصال با مردم خالی نبوده است. در همان وقت هم امیرالمومنین یکی از آحاد ملت و جزو مردم است. منزوی و منعزل و کناره‌جوی از مردم نیست. آن وقتی هم که به حکومت میرسد، یک حاکم به تمام معنا مردمی است.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۶/۰۲/۰۶

اعتماد و اطمینان و پیوستگی و محبت مردم، حرکتی یکجانبه نیست که اگر مردم به کسی محبت کردند و دل بستند، هر کار هم بکنی، اینها محبت دارند. نخیر؛ این طور نیست. محبت و ارتباط مردم، یک امر دوجانبه است. باید از طرف مسوولان در همه سطوح، به مردم پاسخ داده شود. البته این پاسخ، انواع و میدانهایی دارد. باید برای مردم کار شود. البته کار میشود. انصافا هم هیچ منصفی نمیتواند منکر شود. در این کشور، دستگاه کار میکند. این هم از برکات همین مردمی بودن است که با اتکای به مردم، کار و تلاش، زیاد انجام میگیرد.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس / ۱۳۷۶/۰۳/۰۷

یکی از بزرگترین افتخارات انقلاب ما، مردمی بودن و مردمی ماندن است. این، نعمت بزرگی است که باید آن را پاس داشت و قدر دانست. در دنیا، بسیاری از دولتهایی که به وسیله انقلابها، یا به وسیله کودتاها، یا به طرق گوناگون دیگر روی کار میآیند، نمیتوانند حمایت مردمی را برای خودشان حفظ کنند. حتی دیده شده است، دولتهایی که با کمک مردم بر سر کار آمده‌اند، بعد بلافاصله با یک حرکت تند و انقلابی اعلام کرده‌اند که مثلا تا فلان مدت، انتخاباتی انجام نخواهد گرفت، یا وعده داده‌اند، ولی به وعده خود عمل نکرده‌اند. جمهوری اسلامی، در اولین سال پیروزی انقلاب - سال پنجاه و هشت - پنج انتخابات برگزار کرد و تا امروز هم مرتب ادامه داشته است.

حضور مردم، نعمت بزرگی است. این نعمت که بحمدالله در همین روزها یک تجربه و آزمایش شیرین و پرشکوه دیگر از آن مشاهده شد و صحنه بسیار زیبایی را آفرید که در دنیا و در تاریخ مایه افتخار ملت ایران و جمهوری اسلامی و انقلاب شد - انتخابات ریاست جمهوری - جای شکرگزاری دارد. انتخابات - از جمله انتخابات اخیر - همه از برکات مردمی بودن و همین نعمت بزرگ خداست. عزیزان من! در برابر نعمت باید شکر کرد.

بیانات در دیدار نیروهای حاضر در مانور ذوالفقار / ۱۳۷۶/۰۷/۰۵

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران - چه ارتش، چه سپاه، چه نیروی انتظامی و چه بسیج عظیم مردمی - تا امروز هم برای ملت ایران و انقلاب اسلامی زینت بوده‌اند. هر جا نام و یاد آنهاست، ذکر خیر نظام جمهوری اسلامی است. شجاعت آنان،مردمی بودن آنان، ایمان آنان، انصاف و جوانمردی آنان حتی با دشمن و قرارداشتن در کنار آحاد ملت، افتخارات بزرگی است که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی از آن برخوردارند. این امتیاز متعلق به اسلام است. اینها متعلق به احکام و آموزشهای دینی است. این اسلام است که به ما آموخت چگونه میشود نیروی مسلح بود و در میان کشور و سازمانهای موجود کشور، از قدرت سلاح برخوردار بود، اما حتی از آنها مردمیتر و از بسیاری از آنها با ارزشهای اسلامی آمیخته‌تر و نزدیکتر بود. اینها هنر آموزشهای اسلامی است.

بیانات در دیدار نیروهای حاضر در مانور ذوالفقار / ۱۳۷۶/۰۷/۰۵

کشوری که این همه جوان دارد، این همه استعداد دارد، این همه توانایی دارد و بحمدالله یک نظام مردمی دارد - حکومت از آن مردم، متعلق به مردم و برای مردم؛ نیروهای مسلح در کنار مردم، کمک کار مردم، مدافع از مردم و زینت ومایه سرافرازی ملت - از کسی نمیترسد.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۷۷/۰۲/۰۳

این برای اولین بار در طول قرون متمادی است که به برکت انقلاب در این کشور، حکومتهایی سر کار میآیند که ملاک مسوولان حکومتها، علم، تقوا، عدالت، مردمدوستی و گزینش مردم است. با مردمند؛ برای مردم و در خدمت مردمند؛ اهل سو استفاده، دزدی و سرسپردگی به دشمن نیستند. این حقایق در تاریخ طولانی ایران، قرنها سابقه نداشته است. اینها را اسلام و انقلاب به این ملت داد.

پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی / ۱۳۷۷/۱۱/۲۱

امام بزرگوار ما در این مدت در عین هدایت مردم و گستردن دامنه‌ی آگاهی همگانی و کشاندن توده‌ی میلیونی به مبارزه، اندیشه‌ی حکومت اسلامی را نضج و قوام بخشید و در مقابل دو مکتب رایج سیاسی عالم یعنی حکومت دیکتاتوری حزبی کمونیستی در شوروی سابق و چین و اقمار آنها در اروپا و آفریقا و دیگر نقاط، و حکومتهای پارلمانی غربی که سلطه‌ی سرمایه‌داران و کمپانیها بر فکر و اخلاق و سرنوشت مردم به نام دموکراسی بود، راه اسلامی را مطرح کرد که در آن بر دو عنصر دین و انسان به طور اساسی تکیه شده و ایمان دینی و اراده‌ی مردمی بزرگترین شاخصه‌ی آن است. نظام اسلامی در مکتب امام خمینی نظام عدل و ایمان و عقل و آزادگی و مردمگرایی است، و استقلال ملی و رد نظام سلطه‌ی بین‌المللی در مکتب امام بزرگوار ما دارای چنین ریشه‌های عمیقی است.

دیدار جمع کثیری از دانشجویان و اعضای جهاد دانشگاهی با رهبر انقلاب / ۱۳۷۸/۰۵/۱۴

رهبر معظم انقلاب اسلامی یکی دیگر از برکات انقلاب اسلامی را مردمی بودن دولت دانستند و افزودند: حضور مقتدرانه دولت ایران در عرصه بین‌المللی به پشتوانه عظیم ملت ایران ممکن شده است و همین عامل قادر است بسیاری از مشکلات کشور را حل کند.

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای بیرجند / ۱۳۷۸/۰۶/۰۶

روح فداکاری در این ملت، همان حصن و حصار الهی است که دشمن نتوانسته است از آن عبور کند. بعضی می‌خواهند این روح فداکاری را با تبلیغات، با عمده کردن بعضی ارزشهای درجه‌ی دو و با انکار کردن ارزش فداکاری در راه خدا، در میان ملت ما از بین ببرند. این دشمنی است؛ این بلاهت و کندذهنی است. ملتی که روحیه‌ی فداکاری را ندارد، باید در خود ایجاد کند؛ حال ملت ما که این روحیه را دارد، آن را از دست بدهد!؟ آیا این هوشمندی است؟ آیا این مردم دوستی است که

انسان، ملتی را که مرد میدان خطر است، از خطرپذیری برحذر دارد!؟ این دلسوزی است؟ ملت زنده، آن ملتی است که چه در دوران جنگ، چه در دوران صلح، چه در دورانی که دشمنش پشت مرزها ایستاده، چه آن وقتی که دشمن با مرزها فرسنگها فاصله دارد، چه در هنگامی‌که وظیفه‌ی او سلاح به‌دست گرفتن است و چه در هنگامی که وظیفه‌ی او فکر کردن است - در همه‌ی موارد - رشادت و دلیری خود را حفظ و روح فداکاری را در خود زنده نگه دارد. چنین ملتی زنده است و بحمدالله شما زنده‌اید.

دیدار مدیران کمیته امداد امام خمینی(ره) با رهبر انقلاب / ۱۳۷۸/۱۲/۱۴

مقام معظم رهبری با تشکر از زحمات و خدمات مسوولان و امدادگران کمیته امداد امام خمینی(ره)، و تقدیر از آنان به خاطر سعی در تقلیل هزینه‌های جاری و مردمی بودن این دستگاه، در تبیین این نکته که کمک به آب و نان مردم می‌تواند موجب افزایش ایمان شود، فرمودند: در دنیا کسانی که معارف علوی را بفهمند، کم هستند، ولی رفتن امیرالمومنین به خانه سالخوردگان و سرپرستی یتیمان باعث شده است که افراد مسیحی و یهودی، حتی افراد مادی عاشق و شیدای علی (علیه السلام) شوند.

بیانات در دیدار با جوانان در مصلای بزرگ تهران / ۱۳۷۹/۰۲/۰۱

مردمی بودن حکومت هم یکی دیگر از ارزشهایی است که حاکمیت اسلام و معارف اسلامی به این مملکت هدیه کرده است.مردمی بودن، ارزشی بالاتر از انتخاب شدن به وسیله مردم است. بعضی افراد ممکن است در یک نظام دمکراتیک، به شکل دمکراتیک هم انتخاب شوند، اما با مردم رابطه‌ای نداشته باشند. اینها مردمی نیستند. در کشور اسلامی ما، مردمی بودن یک ارزش است. رئیس جمهور مردمی است؛ مسوولان مردمیند و میخواهند مردمی باشند. هر کس بیشتر به مردم نزدیک باشد، بیشتر احساسات مردم را درک کند و بیشتر با مردم احساس و ابراز همدردی کند، مردم به او علاقه بیشتری نشان میدهند. این هم یکی از امتیازات بزرگ وضع کنونی ماست.

بیانات در مراسم دوازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۰/۰۳/۱۴

عنصر دومی که امام به آن حداکثر توجه را کرد، عنصر «مردم» بود. تقریبا در همه نظامهای حکومتی در دنیا، از مردم صحبت میشود و هیچ‌کس نمیگوید که من میخواهم برخلاف مصلحت مردم کار کنم. حتی در رژیمهای استبدادی سلطنتی موروثی، هیچ‌کس نمیگوید که من میخواهم بر خلاف میل مردم عمل کنم. بنابراین ادعای مردم‌گرایی وجود دارد؛ اما مهم این است که حقیقتا در کجا برای مردم شان و منزلت و حق و نقش قائل میشوند. وقتی امام بر روی عنصر «مردم» تکیه میکرد، لفاظی نمیکرد؛ به معنای حقیقی کلمه به اصالت عنصر «مردم» در نظام اسلامی معتقد بود.

...

سلام‌گرایی در نظام اسلامی، از مردم‌گرایی جدا نیست.مردم‌گرایی در نظام اسلامی، ریشه اسلامی دارد. وقتی ما میگوییم «نظام اسلامی»، امکان ندارد که مردم نادیده گرفته شوند. پایه و اساس حق مردم در این انتخاب، خود اسلام است؛ لذا مردم‌سالاری ما - که مردم‌سالاری دینی است - دارای فلسفه و مبناست. چرا باید مردم رای دهند؟ چرا باید رای مردم دارای اعتبار باشد؟ این متکی بر احساسات توخالی و پوچ و مبتنی بر اعتبارات نیست؛ متکی بر یک مبنای بسیار مستحکم اسلامی است. پس یکی از عرصه‌هایی که امام همواره بر آن تاکید میکرد و آن را در ساخت نظام اسلامی کار گذاشت و برای همیشه آن را ماندگار کرد، مساله حضور مردم در انتخاب مسوولان نظام و منتهی شدن مسوولیتها به اراده و خواست مردم است.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه‌شعبان / ۱۳۸۱/۰۷/۳۰

حکومت آینده حضرت مهدی موعود ارواحنافداه، یک حکومت مردمی به تمام معناست. مردمی یعنی چه؟ یعنی متکی به ایمانها و اراده‌ها و بازوان مردم است. امام زمان، تنها دنیا را پر از عدل و داد نمیکند؛ امام زمان از آحاد مومن مردم و با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار میبخشد و یک حکومت صددرصد مردمی تشکیل میدهد؛ اما این حکومت مردمی با حکومتهای مدعی مردمی بودن و دمکراسی در دنیای امروز از زمین تا آسمان تفاوت دارد. آنچه امروز در دنیا اسم دمکراسی و مردم‌سالاری را روی آن گذاشته‌اند، همان دیکتاتوریهای قدیمی است که لباس جدید بر تن کرده است؛ یعنی دیکتاتوری گروهها. اگر رقابت هم وجود دارد، رقابت بین گروههاست و مردم در این میان هیچکاره‌اند.

بیانات در دیدار مردم قزوین / ۱۳۸۲/۰۹/۲۵

کسانی که راه را عوضی بروند و عدالت را ندیده بگیرند، اشتباه میکنند. کسانی که معنویت را ندیده بگیرند، اشتباه میکنند. کسانی که شایسته‌سالاری را ندیده بگیرند، اشتباه میکنند. کسانی که مردمی بودن مسوولان را فراموش کنند، اشتباه میکنند. راه از این جهت دشوار است و حرکت در این راه از این جهت با موانع بزرگ مواجه است که در آن باید همه این معیارها رعایت شود.

بیانات در دانشگاه افسری امام علی(ع) / ۱۳۸۳/۱۰/۰۲

امروز نیروهای مسلح در چشم ملت ایران عزیزند. امروز نیروهای مسلح، چهره ی متکبر و زورگو، احساس جدایی از ملت و اقتدار دورکننده ی هر انسانی از متن مردم را ندارند. این روحیه را در خودتان تقویت کنید؛ روحیه ی از مردم بودن، بامردم بودن، برای مردم بودن و در راه هدفهای مردم بودن. در فضای دانش و شور و نشاط جوانی در این دانشگاه، فرصت را برای پالایش روحی خود مغتنم بشمارید.

بیانات در مراسم صبحگاه رده‌های مختلف نیروی مقاومت بسیج / ۱۳۸۴/۰۶/۰۲

ملت ما ملت جوانی است. این جوانها بیدارند و دلهایشان با اعتقاد به مبانی اسلام و آرمانهای اسلامی محکم است. بسیج در واقع یک حرکت گسترده‌ی مردمی است. خیلیها ممکن است داخل در نیروهای بسیج و گردان‌های مقاومت و نیروی مقاومت سپاه هم نباشند؛ اما در دل، بسیجی باشند. در نظرخواهیهایی که از جوانهای ما کردند، بیش از ۹۰ درصد جوانهای کشور در این نظرخواهی اعلام کردند که آماده‌ی دفاع از ملتند. این، معنای بسیج است.

دیدار ائمه جمعه سراسر کشور با رهبر انقلاب / ۱۳۸۴/۰۸/۲۳

رهبر انقلاب در بخش دیگری از سخنان خود، ائمه‌ی جمعه را به ارتباط بیش از پیش با مردم و حفظ روحیه‌ی مردمی و گشاده‌رویی در برخورد با مردم توصیه کردند و افزودند: امام جمعه باید از موضع یک پدر، رفیق و مشاور امین با مردم ارتباط برقرار کند.

بیانات در سومین کنفرانس حمایت از حقوق مردم فلسطین / ۱۳۸۵/۰۱/۲۵

در دایره‌ی وسیع‌تر؛ یعنی جهان اسلام نیز دست یافتن به این هدف والا؛ یعنی رهایی از سلطه و زورگویی و دخالت استعمارگران و زندگی در سایه‌ی اسلام ممکن و شدنی و البته متوقف بر جهادی از نوع دیگر است. این، جهادی علمی و سیاسی و اخلاقی است؛ ملت ایران در بیست‌وهفت سال گذشته آن را آزموده و میوه‌های شیرین آن را چشیده است. پایه‌ی این جهاد مقدس، ایمان‌گرایی، مردم‌گرایی و علم‌گرایی است و خصوصیت آن، این است که هر گام استوار در آن، گام بعدی را

استوارتر و طی هر مرحله‌اش، مرحله‌ی بعدی را ممکن‌تر میسازد.

بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی / ۱۳۸۵/۰۳/۲۹

عدالت، با من بمیرم، تو بمیری درست نمیشود؛ عدالت، با تعارف درست نمیشود؛ اولا قاطعیت میخواهد، ثانیا ارتباط با مردم میخواهد، ثالثا سادهزیستی و مردمی بودن لازم دارد و بالاتر از همه، خودسازی و تهذیب میخواهد؛ این هم جزو پیش شرطها و پیش نیازهای اجرای عدالت است. اول، باید خودمان را درست کنیم و یک دستی به سر و صورت خودمان بکشیم، تا بتوانیم عدالت را اجرا کنیم؛ وظیفه‌ی من و شما اینهاست. واقعا باید با ویژه‌خواران و فساد مبارزه کنیم.

بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۵/۰۶/۰۶

شاخصه‌های اصولگرایی، شاخصه‌های مهمی است؛ این شاخصه‌ها باید مورد توجه قرار بگیرد، که من به بعضی از اینها اشاره میکنم. در اظهارات شما هم هست، آن را میگویید و تکرار میکنید و در برنامه‌هایتان میگنجانید. تحقق مجموعه‌ی این شاخصه‌ها به معنای حقیقی کلمه، آن وقت دولت را به عنوان یک دولت اصولگرا معرفی خواهد کرد.

...

«سادهزیستی و مردمگرایی» شاخصه‌ی دیگری است که بحمدالله دارید.

دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت با رهبر انقلاب / ۱۳۸۵/۰۷/۰۹

ایشان با اشاره به جهت‌گیری‌های دولت نهم برای خدمت به مردم افزودند: در شرایط کنونی که ارزش‌های دینی و انقلابی، مردمی‌بودن و رعایت خیر و صلاح مردم از جهت‌گیری‌های اصلی دولت به شمار می‌روند، بهترین فرصت برای خدمت به مردم به وجود آمده که باید از این فرصت با همه‌ی توان بهره برد.

پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره مجلس خبرگان / ۱۳۸۵/۱۲/۰۱

الگوی نوین مردمسالاری دینی، راه جدیدی را به بشریت ارائه کرده است که زندگی انسان در آن، از آفات نظامهای بنا شده بر استبداد فردی و حزبی یا برآمده از نفوذ زرسالاران و چپاولگران، و از غرقه شدن در وادی مادیگری و اباحیگری و دور افتادن از معنویت، مبرا گردد، و تقابل و تضاد خداپرستی با مردم گرایی را در عمل تخطئه کند.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز ولادت امیرالمومنین علیه‌السلام / ۱۳۸۶/۰۵/۰۶

امروز امریکا یکی از منفورترین کشورها در همه‌ی دنیاست؛ هرجا نظرخواهی میکنند، نتیجه این است. و نظام جمهوری اسلامی به برکت ایستادگی ملت ایران، به برکت شعار عدالت و مردمدوستی - که بحمدالله امروز در این کشور، این شعار بر زبان دولتمردان به طور دائم وجود دارد - در چشم ملتهای مسلمان عزیز است.

دیدار فرماندهان سپاه با فرمانده کل قوا / ۱۳۸۶/۰۶/۱۸

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به نوآوری‌ها و رویش‌های بسیار فراوان سپاه در سال‌های گذشته، بر لزوم ادامه‌ی حرکت پرشتاب در این مسیر و قانع نشدن به وضع موجود تاکید کردند و افزودند: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باید همواره مردمیبودن خود را حفظ کند و به بسیج به عنوان بدنه‌ی ارزشمند خود، بیش از پیش اهمیت دهد.

بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهرای بسیج / ۱۳۸۶/۰۹/۰۵

بسیج مثل انقلاب، مردمی بود و مردمی است. درست است که شما در قالب مجموعه‌های وابسته‌ی به نیروی مقاومت، شکل گردانهای رزمی میگیرید، آمادگیهای نظامی پیدا میکنید و در میدان نبرد خودتان را نشان دادید و اگر یک روزی کشور باز نیاز به نیروی نظامی و جنگی پیدا کند، در صفوف مقدم هستید؛ این درست است، اما جنگ همه‌ی محتوای بسیج نیست. بسیج، گسترده‌ی در همه‌ی عرصه‌های زندگی است. آن وقتی که نوبت سازندگی است، بسیج پیشرو است؛ آن وقتی که نوبت مددرسانی و خدمات است، بسیج پیشرو است؛ آن وقتی که نوبت تحقیقات بسیار دقیق و ریز و حساس است، نیروهای بسیجی در صفوف اولند. امروز شما نگاه کنید در همین قضیه‌ی هسته‌ای، در این فناوری پیچیده و بسیار دشوار، جوانهائی که آنجا هستند، جوانهای متدین و اجزا طبیعی و حقیقی بسیج را تشکیل میدهند. در همه جا همینجور است.

...

در همه‌ی عرصه‌های زندگی در کشور عزیز ما و در نظام جمهوری اسلامی، بسیج حضور دارد. یک بعدش، این بعد نظامی است و تحرکات نظامی و آموزشهای نظامی و تربیت نظامی و انضباط نظامی. مثل خود انقلاب مردمی است. هر عنصری، هر فردی، هر مجموعه‌ای که بتواند این خصوصیت انقلاب را با خود همراه داشته باشد، مثل انقلاب ماندگار و جاودانه است؛ مثل انقلاب موثر و فعال و اثرگذار در محیط حضور خود هست.

در میدان سیاست هم مردمی بودن، در میدان سازندگی هم همینجور، در میدان مدیریت کلان کشور هم مردمی بودن، عنصرمردمی بودن. انقلاب مردمی است، بسیج هم مردمی است.

دیدار مسئولان اجرایی و جمعی از اقشار مختلف مردم استان یزد با رهبر انقلاب / ۱۳۸۶/۱۰/۱۶

رهبر انقلاب اسلامی مهمترین وظیفه‌ی مسئولان در شرایط کنونی را کار و تلاش بی‌وقفه و خدمت به مردم دانستند و تاکید کردند: مردمی‌بودن مسئولان و ارتباط نزدیک آنان با مردم و خود را خدمتگزار مردم دانستن و دچار غرور نشدن و حفظ پاکدامنی و مسئولیت‌شناسی از جمله وظایف سنگین مسئولان در رده‌های مختلف است.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز / ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی عملکردش یک عملکرد با نمره‌ی بسیار خوب است. در مقابل این همه مشکلات مگر طاقت می‌آورند؟ در دوره‌ی ما حوادث جابه‌جایی قدرت در آفریقا و در آسیا و در خیلی جاها انجام گرفته بود؛ هیچکدام طاقت نیاوردند. در دوران قبل از ما هم انقلابهای بزرگ دنیا - مثل انقلاب کبیر فرانسه، مثل انقلاب اکتبر شوروی - در مقابل این حوادث گوناگون هیچکدام طاقت نیاوردند، یعنی از همان اول منحرف شدند.

خصلت مردمی بودن، خصلت اسلامی بودن، خصلت آرمانگرا بودن، اینی که جوان انقلابی امروز بعد از سی سال اینجا می‌ایستد، آرمانهای انقلاب را به عنوان آرزوها و مطالبات خودش در میان میگذارد و با صدای بلند مطرح میکند، این خیلی توفیق بزرگی است برای انقلاب. هرگز در انقلابهای دیگر اینطور نبود.

بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم / ۱۳۸۷/۰۳/۲۱

آقایان و خانمهای نماینده سعی کنند مردمی بمانند. مردمی بودن هم فقط این نیست که انسان هر گاهی یک بار به محل انتخابات سر بزند. البته آن خیلی لازم

است، باید رفت، سرزد، با مردم ملاقات کرد، منقطع از مردم نباید شد؛ در این شکی نیست؛ اما فقط این نیست! نباید ما در جمهوری اسلامی کمک کنیم به ایجاد یک طبقه‌ی جدید، یک طبقه‌ی برخوردار اشرافی جدید. نباید بگذاریم این کار انجام بگیرد. این هم با دستور و حکم و فرمان حاصل نمی‌شود، با دل، با ایمان، با انگیزه، شدنی است.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۷/۰۶/۰۲

امتیاز سوم هم روحیه‌ی مردمی و خاکی این دولت است؛ این هم خیلی باارزش است؛ این را قدر بدانید. شما امتیازتان به تشخص ظاهری و شکل و قیافه نیست؛ امتیازتان به همین است که خودتان را با مردم هم‌سطح کنید، به شکل مردم و در میان مردم باشید، با مردم تماس بگیرید، با آنها انس پیدا کنید، از آنها بشنوید. این امتیاز بزرگی است و در شما هست؛ آن را حفظ کنید و نگه دارید.

دیدار اعضای مجلس خبرگان با رهبر انقلاب / ۱۳۸۷/۰۶/۰۷

رهبر انقلاب اسلامی در تبیین شاخص‌های اصلی انقلاب اسلامی تاکید کردند: عدالت‌خواهی، استقلال و آزادی به معنای حقیقی کلمه، استکبارستیزی و منفعل‌نشدن در مقابل دشمن، مردم‌گرایی، مستضعف‌نوازی و گرایش به طبقات محروم و پرهیز از اسراف و زندگی اشرافی‌گری جزو مبانی انقلاب اسلامی هستند که به‌هیچ‌وجه نباید تغییر کنند.

دیدار آقای مورالس رئیس‌جمهور بولیوی و هیات همراه با رهبر انقلاب / ۱۳۸۷/۰۶/۱۱

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای عصر امروز در دیدار آقای اوو (EVO) مورالس -رئیس‌جمهور بولیوی- و هیات همراه با اشاره به رای مجدد و قوی‌تر مردم بولیوی به آقای مورالس در همه‌پرسی اخیر، خطاب به وی خاطرنشان کردند: روحیه‌ی مردمی شما و توجه به طبقات محروم و فقیر و تلاش برای خدمت به مردم،روحیه‌ی بسیار ارزشمندی است و همین روحیه می‌تواند موجب سرافرازی ملت‌ها شود.

بیانات در دیدار روسای سه قوه و مسئولان نظام / ۱۳۸۷/۰۶/۱۹

مردم، پایبند اسلامند. در کنار مردمداری، در کنار مردمی بودن، برای مردم دل سوزاندن، برای مردم کار کردن، به آرا مردم اهمیت گذاشتن، به احساسات و عواطف مردم اهمیت دادن؛ این است مردمی بودن. وقتی مردم ببینند شما که مسئول جمهوری اسلامی هستید، افتخار میکنید، اعتزاز میکنید به مسلمانی خودتان، به ضد استکباری بودن خودتان، به ضد استبدادی بودن خودتان و از طرفی افتخار و اعتزاز میکنید به خدمتگزاری مردم؛ با مردم هستید، با مردم انس پیدا میکنید، به مردم محبت میکنید، از مردم کمک میخواهید در مسائل گوناگون، خوب، مردم خرسند میشوند؛ مردم این مسئول را دوست میدارند؛ خوششان می‌آید.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت / ۱۳۸۷/۰۹/۲۴

اگر ما از اخلاق اسلامی دور شدیم، اگر عدالت را فراموش کردیم، شعار عدالت را به انزوا انداختیم، اگر مردمی بودن مسئولان کشور را دست‌کم گرفتیم، اگر مسئولین کشور هم مثل خیلی از مسئولین کشورهای دیگر به مسئولیت به عنوان یک وسیله و یک مرکز ثروت و قدرت نگاه کنند، اگر مسئله‌ی خدمت و فداکاری برای مردم از ذهنیت و عمل مسئولین کشور حذف شود، اگر مردمی بودن، ساده‌زیستی، خود را در سطح توده‌ی مردم قرار دادن، از ذهنیت مسئولین کنار برود و حذف شود؛ پاک شود، اگر ایستادگی در مقابل تجاوزطلبیهای دشمن فراموش شود، اگر رودربایستیها، ضعفهای شخصی، ضعفهای شخصیتی بر روابط سیاسی و بین‌المللی مسئولین کشور حاکم شود، اگر این مغزهای حقیقی و این بخشهای اصلی هویت واقعی جمهوری اسلامی از دست برود و ضعیف شود، ساخت ظاهری جمهوری اسلامی خیلی کمکی نمیکند؛ خیلی اثری نمی‌بخشد و پسوند «اسلامی» بعد از مجلس شورا: مجلس شورای اسلامی؛ دولت جمهوری اسلامی، به تنهائی کاری صورت نمیدهد. اصل قضیه این است که مراقب باشیم آن روح، آن سیرت از دست نرود، فراموش نشود؛ دلمان خوش نباشد به حفظ صورت و قالب. به روح، معنا و سیرت توجه داشته باشید. این، اساس قضیه است.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت / ۱۳۸۷/۰۹/۲۴

اجتناب از اشرافی‌گری؛ یعنی ضد ارزش کردن. در انقلاب ما این نکته وجود داشت؛ این را بتدریج بعضیها سعی کردند کمرنگ کنند. این در مسائل اقتصادی ما اثر دارد، در مسائل روانی ما اثر دارد. اشرافی‌گری و گرایش به اشرافی‌گری، یک ضد ارزش بود در انقلاب. یعنی افرادی در سطوح مختلف بودند که از اینکه به اشرافی‌گری نسبت داده شوند، یا از آنها چیزی دیده شود که جزو خصوصیات اشرافی‌گری باشد، بشدت اجتناب میکردند. مسئولین کشور در درجه‌ی اول متعهد به این قضیه هستند و باید باشند. این تدریجا ضعیف شد. امروز خوشبختانه همان موج ضد ارزش کردن اشرافی‌گری، بحمدالله وجود دارد؛ یعنی دولت، مسئولین دولتی ساده‌زیستند، مردمی هستند و این خیلی فرصت خوبی است؛ نعمت بزرگی است.

بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج / ۱۳۸۸/۰۲/۲۲

یکی از اساسی‌ترین کارها برای اینکه ما جلوی اسراف را بگیریم این است که مسئولین کشور، خودشان، کسانشان، نزدیکانشان و وابستگانشان، اهل اسراف و اهل اشرافی‌گری نباشند. چطور میتوانیم اگر خودمان اهل اسراف باشیم، به مردم بگوئیم اسراف نکنید؛ «ا تامرون الناس بالبر و تنسون انفسکم»؛ «یا ایها الذین امنوا لم تقولون ما لا تفعلون. کبر مقتا عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون». اولین کار این است که ما مسئولین کشور را، افرادی انتخاب کنیم که مردمی باشند، ساده‌زیست باشند، درد مردم را بدانند و خودشان از درد مردم احساس درد کنند. این هم به نظر من شاخص مهمی است. آگاهانه بگردید؛ برسید؛ و به آنچه که رسیدید و تشخیص دادید، با قصد قربت اقدام کنید؛ با قصد قربت پای صندوق انتخابات بروید و خدای متعال اجر خواهد داد. این هم یک نکته.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم / ۱۳۸۹/۰۷/۲۷

درس بزرگ امام عزیز ما به ما و به همه‌ی ملت همین بود؛ به نیروی خودتان ایمان داشته باشید، در افزایش این نیرو به صورت روزافزون تلاش کنید و به خدای متعال و وعده‌ی الهی اطمینان داشته باشید؛ اگر ایستادگی کردید و با تدبیر حرکت کردید، مطمئن باشید که نصرت الهی با شما همراه است. این، خصوصیت دیندار بودن مردم و دینی بودن این انقلاب و نظام اسلامی است.

مردمی بودن، یعنی این انقلاب از سوی مردم وفادارانه مورد حمایت قرار بگیرد؛ نظام اسلامی از سوی مردم مورد تایید و حمایت و پشتیبانی کامل قرار بگیرد. این هم در طول این مدت تامین بوده است.

اگر حضور مردم نمیبود، اگر فاصله‌ی بین مردم و نظام ایجاد میشد، نظام نمیتوانست در مقابل دشمنان مقاومتی بکند. این حضور مستحکم مردم است که پشتوانه‌ی ایستادگی مسئولان است.

بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی / ۱۳۹۰/۰۶/۲۶

بیشک این حقیقت که انقلابهای منطقه متکی به این اصول و خواستار تحقق آنها است، مورد پسند آمریکا و غرب و صهیونیسم نیست و آنها همه‌ی تلاش خود را

به کار میبرند تا آن را انکار کنند، ولی واقعیت با انکار آن دگرگون نمیشود.
مردمی بودن این انقلابها مهمترین عنصر در تشکیل هویت آنها است. قدرتهای خارجی که با آخرین توانائیها و شگردهای خود سعی میکردند حکام مستبد و فاسد و وابسته را در این کشورها حفظ کنند و تنها هنگامی از حمایت آنها دست برداشتند که قیام و عزم مردم، هیچگونه امیدی برای آنها باقی نگذاشت، حق ندارند خود را در پیروزی این انقلابها سهیم بدانند. در جائی مانند لیبی هم، ورود و دخالت آمریکا و ناتو نمیتواند حقیقت را مشوب کند. در لیبی، ناتو ضایعه‌های بیجبران آفریده است. اگر دخالت نظامی ناتو و آمریکا نبود، ممکن بود مردم اندکی دیرتر پیروز شوند، ولی در عوض این همه زیرساخت نابود نمیشد؛ این همه نفوس بیگناه از زنان و کودکان کشته نمیشدند و آنگاه دشمنانی که خود سالها همراه و همدست قذافی بوده‌اند، مدعی حق دخالت در این کشور مظلوم و جنگ‌زده، نمیشدند.
مردم و نخبگان مردمی و کسانی که از مردم برآمده‌اند، خود صاحبان این انقلابها و متعهد به حراست از آن و ترسیم‌کننده‌ی مسیر آینده و رو به تکامل آن میباشند و خواهند بود ان‌شاالله.

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری کنگره‌ی بزرگداشت یکصدمین سالگرد رحلت آیت‌الله العظمی آقانجفی اصفهانی / ۱۳۹۰/۰۷/۰۴

حضور روحانیت - با خصوصیاتی که روحانیت شیعه دارد، حالا آن که ما در بین خودمان در تاریخ دیده‌ایم - در مسائل اجتماعی، به طور طبیعی معنا و هویت خاصی میدهد به آن مسائل اجتماعی. وقتی که عالم شیعی در حوادث بزرگ اجتماعی حضور دارد، این طبعا اسلامیت درش هست، مقابله‌ی با هر دستگاه ظلم و استعمار و استکبار - اعم از استعمار خارجی یا استبداد داخلی - درش هست، مردمی بودن قهرا درش هست، امتداد داشتن در متن مردم و در خود روحانیت درش هست.

بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۲

ما برای نظام مطلوب خودمان، اسم جدید میگذاریم؛ میگوئیم مردم‌سالاری اسلامی، یا جمهوری اسلامی؛ یعنی نام جدید انتخاب میکنیم. یا برای تقسیم درست ثروت و استفاده‌ی همگان از ثروتهای عمومی، که یکی از اهداف والا و اساسی اسلام است، از واژه‌ی «سوسیالیسم» استفاده نمیکنیم. با اینکه سوسیالیسم هم از لحاظ معنای لغوی ناظر به همین معناست، لیکن با یک مفاهیم دیگری همراه است که ما از آن مفاهیم بیزاریم؛ با یک واقعیتهائی در تاریخ و در جامعه همراه شده که ما آنها را قبول نداریم. لذا ما به جای استعمالات و اصطلاحاتی که بین چپ‌روها و مارکسیستها و اینها معروف بود، اصطلاح «استکبار» را، اصطلاح «استضعاف» را، اصطلاح «مردمی بودن» را مطرح کردیم و آوردیم. ما آوردیم، یعنی انقلاب آورد، نه اینکه اشخاص خاصی در این زمینه تاثیر حتمی و قاطعی داشته باشند.

بیانات در اجتماع مردم کنگاور / ۱۳۹۰/۰۷/۲۷

کمبودها هست. مسئله‌ی اشتغال - که امام جمعه‌ی محترم اشاره کردند - مطلب کاملا درستی است؛ فقط مربوط به این شهر هم نیست؛ مربوط به سرتاسر استان است. مشکل بزرگ این استان، مسئله‌ی اشتغال است؛ که با مسئولین در میان گذاشته شده است، ان‌شاالله بعد از این بیشتر و موکدتر هم مطرح خواهد شد، تا بتوانند راه‌های درست و صحیحی را برای رفع این مشکل جستجو و پیدا کنند و مشکل را برطرف کنند. اما این استعداد مردمی، این روحیه‌ی مردمی، این آمادگی به کار، این شور و شوق، این وفاداری به انقلاب، اینها خصوصیات مژده‌دهنده‌ای است. کشور، انقلاب و نظام، با این خصوصیات است که توانسته است تا امروز مراحل بسیار دشواری را پشت سر بگذارد و پیش برود.

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۹۰/۰۸/۱۴

مهمترین خطر، دخالت و تاثیرگذاری جبهه‌ی کفر و استکبار در ساخت نظام جدید سیاسی در این کشورها است. آنان همه‌ی کوشش خود را به کار خواهند برد تا نظامهای جدید، هویت اسلامی و مردمی نیابد. همه‌ی دلسوزان در این کشورها و همه‌ی آنان که به عزت و کرامت و پیشرفت کشور خود دلبسته‌اند، باید تلاش کنند تا اسلامیت و مردمی بودن نظام نوین، به تمام و کمال تامین شود. نقش قانون اساسی‌ها در این میان، برجسته است. اتحاد ملی و به رسمیت شناختن دگرسانی‌های مذهبی، قبیله‌ای و نژادی، شرط پیروزی‌های آینده است.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

آمریکائیها میخواستند عراق را مستقیما خودشان اداره کنند، نتوانستند - ملت عراق ایستاد و نگذاشت - خواستند دولتی دست‌نشانده بیاورند، نتوانستند؛ خواستند با کاپیتولاسیون بمانند، دولت و ملت عراق اجازه ندادند. امروز دولت عراق یک دولت مردمی است، ملت عراق یک ملت زنده و بیدار است؛ و همین موجب شد که آمریکائیها بدون هیچ دستاوردی، آنچه که میخواستند، نشد، از عراق خارج بشوند. البته دخالتهای نفتی دارند، دخالتهای امنیتی دارند؛ که لابد ملت و دولت عراق ان‌شاالله در آینده برای آن هم فکری خواهند کرد.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

تعریفها باید بازخوانی و اصلاح شوند. دو الگوی «اسلام تکفیری» و «اسلام لائیک» از سوی غرب به شما پیشنهاد شده و خواهد شد تا الگوی «اسلام اصولگرای معتدل و عقلانی» در میان انقلابهای منطقه تقویت نشود. کلمات را دوباره و بدقت تعریف کنید.
«دموکرات بودن» اگر به معنای مردمی بودن و انتخابات آزاد در چارچوب اصول انقلابهاست، همه دموکرات باشید؛ و اگر به معنای افتادن به دام لیبرال دموکراسی درجه‌ی دوم و تقلیدی باشد، هیچ یک دموکرات نباشید.

بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۹۰/۱۱/۱۹

وقتی ما مثلا خاطره‌ی نوزدهم بهمن را مرور میکنیم، یک درسی از این حادثه فرا میگیریم؛ آن درس، درس اقدام، ابتکار، ایستادگی، کار بهنگام و تاثیر آن در حرکت جامعه و کشور است؛ این یک عبرت شد. درست است که بدنه‌ی ارتش دوران قبل از انقلاب، بدنه‌ی طاغوتی نبود؛ سران طاغوتی بودند، بدنه جزو ملت بودند؛ این چیز روشنی است، برای ما از اول روشن بود، برای مردم هم در طول سالهای متمادی واضح و روشن شد؛ لیکن بروز این مردمی بودن، نقش‌آفرینی در عرصه‌ی حرکت مردمی، یک چیز دیگر است. این نمیشد، مگر آن وقتی که از درون ارتش یک حرکتی که برجسته باشد، چشم‌نواز باشد، چشمگیر باشد، به وقوع بپیوندد؛ و نوزده بهمن این کار را انجام داد.

بیانات در دیدار مدال‌آوران المپیک و پارالمپیک / ۱۳۹۱/۱۲/۲۱

شما که ورزشکارید، در درجه‌ی اول، و بعد مسئولین ورزشی و کسانی از مدیریتهای گوناگون که به این مسائل اهتمام دارند و این مسائل با آنها ارتباط پیدا میکند، باید به مسئله‌ی اخلاق در ورزش توجه کنند. مسئله‌ی اخلاق در ورزش خیلی مهم است. مغرور نشدن، مردمی ماندن، جوانمرد ماندن، با مردم بودن، برای مردم دل سوزاندن، خیلی مهم است. پیدا شدن این خصوصیات در انسان یک مسئله است، ماندن این خصوصیات در انسان مسئله‌ی مشکلتری است؛ اینها را انسان باید حفظ کند.

دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش و خانواده‌های آنان با رهبر انقلاب / ۱۳۹۲/۰۱/۲۸

فرمانده کل قوا در این دیدار در تشریح ویژگی‌های منحصربه‌فرد ارتش جمهوری اسلامی ایران، به مردمی‌بودن ارتش اشاره کردند و افزودند: در نظام جمهوری اسلامی ایران، ارتش به دلیل فداکاری و مجاهدت و نه به دلیل زورگویی و قدرت، مورد تکریم مردم و دارای پشتوانه‌ی مردمی است.

بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۲/۰۳/۱۴

در سیاست داخلی، اصول امام عبارت است از تکیه به رای مردم؛ تامین اتحاد و یکپارچگی ملت؛ مردمی بودن و غیر اشرافی بودن حکمرانان و زمامداران؛ دلبسته بودن مسئولان به مصالح ملت؛ کار و تلاش همگانی برای پیشرفت کشور. در سیاست خارجی، اصول امام عبارت است از ایستادگی در مقابل سیاستهای مداخله‌گر و سلطه‌طلب؛ برادری با ملتهای مسلمان؛ ارتباط برابر با همه‌ی کشورها، بجز کشورهائی که تیغ را بر روی ملت ایران کشیده‌اند و دشمنی میکنند؛ مبارزه‌ی با صهیونیسم؛ مبارزه برای آزادی کشور فلسطین؛ کمک به مظلومین عالم و ایستادگی در برابر ظالمان.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۹۴/۰۶/۰۴

روحیه‌ی مردمی بودن و انس با مردم، تماس با مردم، از نزدیک پای صحبت مردم نشستن؛ راه‌هایی باز کردن -خب ماها به حکم مسئولیت یک محصوربودن‌هایی داریم، یک محدودیتهایی داریم- که گذرگاهی باشد برای تماس با متن زندگی مردم. من به آقای رئیس‌جمهور هم چندبار تا حالا گفته‌ام که این سفرهای استانی خیلی چیز خوبی است، این یکی از آن کارهای بسیار مثبت است، به دولتهای قبل هم همین سفارش را من همیشه میکردم؛ یکی از راه‌ها این است؛ رفتن به خانه‌ی مردم، رفتن منزل شهدا -که حالا الحمدلله این کار تا حدودی باب شده و کار خوبی است- راهی برای تماسهای گوناگون مردم؛ اینها خیلی مهم است. این کارها روحیه‌ی مردمی بودن و شناخت مردم را در انسان حفظ میکند و نگه میدارد. وقتی این نباشد، انسان از حال جامعه غافل میشود و همیشه نگاهش به کلیات [است]؛ مثل کسی که با هواپیما دارد از روی یک شهری عبور میکند؛ بله، کلیت شهر را انسان بهتر از کسی که پایین است میبیند، اما [اینکه] داخل این کوچه‌ها، داخل این خیابانها چه خبر است، داخل خانه‌ها چه خبر است، در مغازه‌ها چه [خبر] است، مراجعه‌کنندگان چه کسانی هستند، اینها را آن کسی میفهمد که برود در این کوچه‌ها راه برود؛ حالا همان مقدار محدودی که ممکن هست؛ مردمی بودن خیلی مهم است.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش / ۱۳۹۴/۱۱/۱۹

این حرکت روز نوزدهم بهمن سال ۵۷ از سوی نیروی هوایی، بلافاصله از سوی مردم پاسخ داده شد. این هم یک درس است؛ یعنی شب بیست‌ویکم و بیست‌ودوم بهمن، وقتی‌که مقر نیروی هوایی از طرف لشکر گارد مورد تهدید قرار گرفت -حمله کردند؛ قصدشان هم این بود که نیروی هوایی به تعبیر آنها متمرد را تنبیه کنند- اینجا مردم به کمک نیروی هوایی شتافتند. ببینید، فورا عکس‌العمل نشان داده میشود؛ یعنی با مردم بودن، در خدمت مردم بودن، پیوسته به مردم بودن یک مجموعه‌ی نظامی، فورا جواب میدهد؛ یعنی مردم پشتیبان میشوند. خیلی فرق میکند که یک مجموعه‌ی نظامی متکی به مردم باشد یا نباشد؛ این خیلی تفاوت دارد. آنجا نتیجه‌ی آن حرکت را بلافاصله دریافت کردند.

بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۵/۰۳/۱۴

برای انقلابی بودن شاخصهایی وجود دارد.

...

یکی دیگر از مبانی، محور بودن مردم است که وقتی ما مردمی بودن را و محور بودن مردم را با اسلام همراه میکنیم، ترکیب آن میشود جمهوری اسلامی؛ جمهوری اسلامی یعنی این؛ مردم محورند، مقاصد برای مردم است، هدفها متعلق به مردم است، منافع مال و ملک مردم است، اختیار در دست مردم است؛ اینها مردمی بودن است: رای مردم، خواست مردم، حرکت مردم، عمل مردم، حضور مردم و شرافت مردم در نظام جمهوری اسلامی. این یکی از آن مبانی است و به‌معنای واقعی کلمه باید به این معتقد بود.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۹۵/۰۶/۰۳

تجلیل و تکریم میکنم یاد شهیدان عزیزمان رجائی و باهنر را که همان‌طور که ایشان اشاره کردند، این دو نفر واقعا الگو بودند؛ از جهات مختلف، از جهت اخلاص، از جهت پرکاری. البته فرصتی نشد برایشان که چند سالی ادامه بدهند، لکن سالی که نکوست از بهارش پیدا است، نوع کاری که اینها میکردند -مخصوصا مرحوم رجائی که خب مدت بیشتری هم بودند- نشان میداد که [کار] همین‌جور پیش خواهد رفت؛ اخلاص و علاقه و مردمی‌بودن و تلاش فراوان و [مانند اینها].

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۷/۰۳/۰۷

مردم‌سالاری جامع را دیکتاتوری [میگویند]؛ یعنی واقعا الان به نظر من -یعنی با آشنایی‌ای که حالا من دارم- در دنیای امروز هیچ مردم‌سالاری‌ای مثل مردم‌سالاری ما واقعی نیست. ارتباط مسئولان کشور با مردم، انسشان با مردم، انتخابشان به‌وسیله‌ی مردم از همه‌جای دنیا واقعی‌تر است؛ تا آن حدی که من اطلاع دارم. این را الان در کارهای تبلیغی مسلم دائمی دشمن به‌صورت یک دیکتاتوری جلوه میدهند که این خب کار آنها است؛ این‌جور وانمود میکنند. بنابراین اینها کارهایی است که موانع بیرونی است که دشمنان ما ممکن است انجام بدهند.

گزیده‌ای از بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت / ۱۳۹۷/۰۴/۲۴

با مردم باید حرف بزنید. حرف زدن با مردم به صورت روبرو و رودررو، با مردم حرف بزنید مسائل را به مردم بگویید، بگویید که دشمن میخواهد از رخنه‌ی اقتصادی استفاده کند، این را صریح به مردم بگویید، بگویید البته ما مشکلات اقتصادی‌ای داریم دشمن میخواهد از این استفاده کند، ما نخواهیم گذاشت و به کمک شما احتیاج داریم. به مردم گفته بشود ما نمیگذاریم دشمن از این رخنه وارد بشود و استفاده بکند و ضربه بزند به کشور اما به کمک شما احتیاج داریم این را بگویید، بگویید ما با همه‌ی قدرت می‌ایستیم...

... حالا مثلا فرض کنید شما میروید فلان کارخانه را افتتاح میکنید، این کافی نیست. اینی که شما بروید فرض کنید حالا فلان کارخانه را در فلان نقطه‌ی کشور، یک نواری را مثلا قیچی کنید این کافی نیست. اگر چنانچه واقعا یک کار خوب و کارستانی انجام گرفته به‌عنوان این کارخانه بروید در دل کار، مردم ببینند و این را منعکس بکنند. بروید با کارگر تماس بگیرید، بروید پای کوره، بروید نمیدانم محصول را تماشا کنید، بروید جاهای، انبارها را ببینید، بروید با کارگرها، مجموع کارگرها حرف بزنید، وارد کار بشوید. این اگر شد، مردم می‌بینند بله، دارد کار انجام میگیرد ...جزئی وارد کار بشوید. اینی که حالا به شکل خیلی رسمی و با تفنن و با فلان وارد بشود انسان یک جایی و بعد راهنمایی کنند ما را برویم با قیچی برداریم ما این نوار را مثلا فرض کنید، این دل مردم را شاد نمیکند. مردم افتتاحهای چندگانه کم ندیدند، شماها خودتان هم یادتان است بعضی‌تان آن زمان وزیر هم بودید، چند بار یک کاری افتتاح شد. یک کاری افتتاح شده در حالیکه آماده نبوده. اینها را که عرض میکنم، اینها چیزهایی است که ما خب یادمان است دیگر، اینها چیزهایی است که اطلاع داریم، شایعات و اینها نیست، زمان خود ما اتفاق افتاده؛ از اینها مردم دیدند لذا این افتتاح کردن و اینها کافی نیست. باید اگر چنانچه واقعا کاری دارد انجام میگیرد در کشور که انجام میگیرد، انصافا کارهای خوبی هم دارد میشود، اینها

را برای مردم درست روشن کنید، تشریح کنید.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت / ۱۳۹۷/۰۶/۰۷

آنچه ما به‌عنوان دولت اسلامی و حکومت اسلامی بایستی به‌طور دائم در نظر داشته باشیم این است که باید حکومت علوی را معیار خودمان قرار بدهیم، خودمان را با حکومت علوی بسنجیم؛ هر مقداری که بین ما و آن حکومت فاصله است، آن را عقب‌ماندگی به‌حساب بیاوریم. اگر چنانچه کارهای خوب انجام میدهیم، از لحاظ معنوی پیشرفت میکنیم یا کارهایی که مایه‌ی افتخار به‌حسب ارزشهای اسلامی است انجام میدهیم، مبالغه نکنیم در اهمیت آن؛ مقایسه کنیم با حکومت علوی و ببینیم چقدر فاصله است بین ما و او. شاخص عمده در حکومت علوی، یکی عدالت است، یکی پارسایی و پاک‌دامنی است، یکی مردمی بودن و با مردم بودن است؛ حکومت علوی اینها است دیگر؛ زندگی امیرالمومنین مظهر عدل است، مظهر زهد است، مظهر مردمی بودن و پاک زیستن است. باید اینها را معیار قرار بدهیم، واقعا باید در این جهت حرکت کنیم.

بیانات: شرح حدیث اخلاق | درباره ویژگی‌های نزدیک‌ترین افراد به پیامبر در روز قیامت / ۱۳۹۷/۰۸/۲۸

عن جعفر بن محمد علیهما السلام عن ابیه عن جده علیهم السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله: اقربکم غدا منی فی الموقف اصدقکم للحدیث و آداکم للامانه و اوفاکم بالعهد و احسنکم خلقا و اقربکم من الناس. (۱)

اقربکم غدا منی فی الموقف اصدقکم للحدیث

در موقف قیامت همه‌ی سختی‌ها و وحشتها و ترسها و اهوال گوناگون برای انسان وجود دارد، و فرقی هم نیست بین مومن و غیر مومن: یوم یفر المر من اخیه * و امه؛ وابیه * و صاحبته؛ و بنیه * لکل امرئ منهم یومئذ شان یغنیه؛(۲) یک چنین روزی است روز قیامت، که در آیات کریمه‌ی قرآن، بخصوص در سوره‌های اواخر قرآن خیلی زیاد به احوال و اهوال در قیامت پرداخته شده. خب در یک چنین معرکه‌ی سختی که اهمیت و سختی آن موقف اصلا برای ما قابل تصور نیست، انسان دنبال یک مرجع امنی میگردد؛ یک جایی که به آن پناه ببرد، به آن تکیه کند، در زیر سایه‌ی آن باشد. آن کسی و آن جایگاهی که از همه‌ی اشخاص و جایگاه‌ها در قیامت امنیت بیشتری به انسان میدهد، جایگاه پیغمبر اکرم است. اگر کسی بتواند خودش را نزدیک آن بزرگوار برساند، اطمینان خاطر پیدا میکند، احساس یک امنیتی میکند؛ مثل دنیا دیگر؛ وضع دنیا را ملاحظه کنید: اگر چنانچه در جایی که سختی هست، مشکل هست، تهاجم هست، دزدی هست، رذالت هست، یک نفر انسانی که آنجا در معرض همه‌ی اینها قرار گرفته، بخواهد خودش را امنیت بدهد، یک کسی را پیدا میکند، یک شخصیتی را پیدا میکند که قوی باشد، مستحکم باشد و فورا میرود نزدیک او می‌ایستد. در قیامت هر کسی بتواند نزدیک نبی مکرم اسلام قرار بگیرد، دیگر آنجا یک احساس امنیتی دارد. خب، چه کسی میتواند برود آن نزدیک؟ خلایق جن و انس از اولین و آخرین که در آنجا جمعند، همه مایلند که خودشان را برسانند به این بزرگوار؛ می‌بینند مقام و مرتبه‌ی او را، می‌بینند مقامی دارد که «یغبطه به الاولون و الآخرون»،(۳) آن را می‌بینند و میخواهند، [اما] میتوانند؟ نه، همه نمیتوانند. این روایت میگوید وسیله‌ای که شما بتوانید با آن، خودتان را نزدیک پیغمبر بکنید، چیست؛ آن را دارند به ما یاد میدهند.

اینجا دار عمل است، آنجا دار نتیجه است. اینجا یک کارهایی را به ما یاد داده‌اند، گفته‌اند این کارها را انجام بدهید که اگر این کارها را اینجا در این دوره‌ی کوتاه - کوتاه است دیگر، این دنیا یک لحظه‌ی از عمر ابدی است، یک لحظه است؛ نود سال، صد سال اگر کسی عمر کند، یک لحظه است در مقابل آن عمر ابدی عالم آخرت- انجام دادیم، اگر در این یک لحظه انسان این چیزها را رعایت بکند، در آن موقف دشوار به دردش میخورد. حالا اینها چیست؟ چند مورد را ذکر کرده‌اند. خود حضرت فرمودند: اقربکم غدا منی، [نزدیک‌ترین شما به من]، فی الموقف -یعنی در قیامت- اول این [فرد] است: اصدقکم للحدیث؛ آن کسی که راستگوتر است، در حرف زدن راستگو است، آنچه میگوید از روی صدق بیان میکند؛ دروغ و تهمت و شایعه و حرف ضعیف و قول بغیر علم و مانند اینها در آن نیست. «صدق» یعنی انطباق با واقع، آنچه را واقع است -که او میداند واقع است- بیان میکند؛ اصدقکم للحدیث.

و آداکم للامانه

آن کسی که بیشتر از همه ادا امانت میکند؛ که مکرر عرض کرده‌ایم که امانت فقط این نیست که حالا یک پولی شما دست بنده بسپرید، بنده آن را به شما برگردانم؛ این یکی از انواع امانت است. همه‌ی آن چیزهایی که مردم به ما می‌سپرند، امانتهای مردم است؛ مقام را به ما می‌سپرند، امنیت را به ما می‌سپرند، دینشان را به ما می‌سپرند، حفظ ناموسشان را به ما می‌سپرند؛ همه‌ی این چیزها امانتهای مردم دست ما است. ما حکومتیم دیگر؛ هر کسی هر جا هست؛ یکی مثل بنده در یک جایگاهی قرار دارد، یکی در جایگاه دیگری قرار دارد، یکی قاضی است، یکی مسئول تعلیم و تربیت است، یکی امام جماعت است؛ همه‌ی اینها امانتهایی است که دست ما سپرده است؛ ادا امانت. هر کدام بهتر ادا امانت کردید، آنجا جایتان به حضرت نزدیک‌تر است و امنیتتان بیشتر است.

و اوفاکم بالعهد

[در مورد] پیمانهای فردی و اجتماعی، وفای به این عهدها بکنید؛ که البته مهم‌ترینش پیمانهای اجتماعی است؛ این قراردادهای اجتماعی، این حقوق شهروندی [است]. خب این چیزهایی که حالا امروز فرنگی‌ها یاد گرفته‌اند میگویند «حقوق شهروندی»، ماها هم از اینها میخواهیم یاد بگیریم! حرفهایی که در روایات ما و در قرآن ما هست، حالا ما داریم از غربی‌ها اینها را [یاد میگیریم]! خب اینجا دارد میگوید «اوفاکم بالعهد»؛ «عهد» یعنی قرارداد، آن چیزی که بین شما و بین دیگران قرارداد بسته [شده]. شما وقتی در یک محیط با هم زندگی میکنید، یک قراردادی با هم بسته‌اید دیگر؛ مثل این است که در یک آپارتمانی ده خانواده زندگی میکنند؛ اینها ولو هیچ کاغذی هم امضا نکرده‌اند، [اما] یک معاهداتی در مقابل هم دارند؛ این چیز قهری است دیگر؛ [مثلا] تو سر و صدا نکن که در خانه‌ی او بچه‌اش از خواب بیدار نشود، او هم سر و صدا نکند که بچه‌ی تو از خواب بیدار نشود؛ این قرارداد روشنی است دیگر؛ حقوق شهروندی یعنی اینها.

و احسنکم خلقا

یکی از چیزها هم این است که خوش‌اخلاق باشید؛ بداخلاق و عبوس [بودن] و [اینکه] در خانه یک جور، در محل کار یک جور، با مردم یک جور، با تکبر، با اوقات تلخی [رفتار کردن]، خیلی بد است. آن کسانی که «احسنهم خلقا» هستند، آنجا نزدیک‌ترند.

و اقربکم من الناس

مردمی بودن. ببینید، سبک زندگی اسلامی اینها است. باز همین «مردمی بودن» هم از حرفهایی است که حالا متجددین و مانند اینها فکر میکنند که از دیگران یاد گرفته‌اند؛ نه، اینها در روایات ما است. مردمی باشید، با مردم باشید. معنای با مردم بودن این نیست که فرض کنید انسان به چهار نفر از طبقه‌ی ممتازه بگوید اینها مردمند؛ نه، یعنی توده‌ی مردم، طبقات پایین مردم، عامه‌ی مردم؛ با اینها باشید، بین اینها باشید، مثل آنها زندگی کنید، در حد آنها زندگی کنید، پیش آنها تواضع کنید؛ اینها معنای مردمی بودن است.

انتصاب حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی به ریاست قوه قضائیه / ۱۳۹۷/۱۲/۱۶

سند تحول قضائی پیشنهادی جنابعالی را ملاحظه کردم. بر اساس مشورتها و نظرات کارشناسی، آنرا مفید و کارساز میدانم. با این حال چند نکته را موکدا به جنابعالی سفارش میکنم.
نخست آنکه برای همه‌ی فصول این سند و بندهای ذیل آنها، زمان تعیین کنید و خود و همکارانتان را بر پایبندی به سرآمد برنامه الزام نمائید. در زمانبندیها نه عجله و نه مماطله نباید راه داده شود.
دوم آنکه در همه‌ی فصول تحول، مردمی بودن و انقلابی بودن و ضد فساد بودن را رعایت کنید.

گزیده‌ای از بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور / ۱۳۹۸/۰۴/۲۵

مردمی بودن است؛ انس با مردم، یگانه بودن با مردم، روادار(۴) بودن با مردم، مردمی بودن این است؛ نه به صورت تصنعی، [بلکه] به معنای واقعی کلمه. ... پس مردمی بودن یکی از آن شعب خاص سلوک امام‌جمعه و عمل او است.
پیگیری مشکلات مردم؛ خب ائمه‌ی جمعه مرجع حوائج مردمند؛ یعنی مردم هر مشکلی دارند -مشکلات مالی، مشکلات کسبی- مراجعه میکنند به ائمه‌ی جمعه، به خیال اینکه اینها مثلا معجزه میتوانند بکنند؛ در حالی که ائمه‌ی جمعه پولی در اختیار ندارند، امکاناتی در اختیار ندارند؛ اما پیگیر باشید مشکلاتشان را. بله، شما امکانات ندارید، پول ندارید، بودجه‌ی خاص برای رسیدگی به مردم ندارید، اما میتوانید به‌عنوان یک شخصیت، به‌عنوان یک عنصر محترم، حوائج آنها را منتقل کنید به کسانی که میتوانند برطرف کنند. ... نفس اینکه شما با چهره‌ی باز برخورد کنید و وقتی کسی به شما مراجعه میکند بفهمد که شما درد او را درک میکنید و به رنج او اهمیت میدهید، خود این برای او یک نوع شفا است.

بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه / ۱۳۹۸/۰۷/۱۰

مردمی باشید، مردم‌دوست باشید، مردم‌پذیر باشید، مردمی‌رفتار باشید. سپاه مردمی است دیگر؛ از اولی که سپاه تشکیل شد -این جوانها و بچه‌هایی که آمدند، از دانشگاه آمدند، از بازار آمدند، از کارگاه آمدند، از همه جا آمدند رشد کردند، آمدند چهره شدند، آمدند به جایی رسیدند که امثال بنده باید نگاه کنیم، حسرت بخوریم، غبطه بخوریم- مردمی تشکیل شد. با مردم باشید، از مردم باشید، رفتار مردمی داشته باشید؛ فخرفروشی خلاف این رفتار است، دنیاطلبی خلاف این رفتار است، اشرافیگری خلاف این رفتار است. این هم یک توصیه‌ی موکد. البته در این توصیه‌ی ششم خیلی حرف هست؛ بنده هم به همه‌ی اجزای مسئولین کشور این توصیه را همیشه میکنم، تاکید هم میکنم لکن دیگر حالا مجال خیلی نیست، میخواهیم عبور کنیم.

شرح حدیثی درباره سیره مردمی پیامبر اعظم(ص) / ۱۳۹۸/۱۰/۰۳

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمدلله رب العالمین و الصلاه و السلام علی سیدنا محمد و آله الطاهرین و لعنه الله علی اعدائهم اجمعین

اخبرنا ابن مخلد قال: اخبرنا الخلدی قال: حدثنا الحسن بن علی القطان قال: حدثنا عباد بن موسی الختلی قال: حدثنا ابو اسماعیل ابراهیم بن سلیمان المودب عن عبد الله بن مسلم عن سعید بن جبیر عن ابن عباس قال: کان رسول الله (صلی الله علیه و آله) یجلس علی الارض و یاکل علی الارض و یعتقل الشاه و یجیب دعوه المملوک علی خبز الشعیر.(۱)

عن ابن عباس قال: کان رسول الله (صلی الله علیه و آله) یجلس علی الارض
[پیامبر] دنبال این نبود که یک فرشی، چیزی داشته باشد؛ در مسجد، در ملاقات با یک نفری که در بین راه با ایشان برخورد میکرد، و میخواست دو کلمه حرف بزند، روی زمین می‌نشست.
و یاکل علی الارض
گاهی غذایش را هم همین طور که روی زمین نشسته بود، میخورد. سفره‌ای بیندازند و آدابی و تشکیلاتی و حالا یک بشقابی، کاسه‌ای، چیزی مثلا؛ نه، همین طور روی زمین می‌نشستند و غذای ساده‌ای میل میکردند.
و یعتقل الشاه
گوسفندی فرضا داشتند، ریسمان گوسفند را دستشان میگرفتند. «یعتقل» از «عقال کردن» است دیگر، یعنی آن را نگه داشتن، گوسفند را نگه میداشتند. خب، این خلاف شان است دیگر؛ ماها اگر باشیم، حالا یک گوسفندی هم داشته باشیم، دستمان نمیگیریم توی خیابان و کوچه. این بزرگوار میکردند این کار را.
و یجیب دعوه المملوک علی خبز الشعیر
گاهی یک غلامی مثلا نشسته بود یک جایی روی زمین و داشت نان جوی میخورد؛ حضرت عبور میکردند، تعارف میکرد، آقا! بفرمایید؛ می‌نشستند حضرت پهلوی او. نمیگفتند شان ما نیست، نمیشود، مناسب نیست.
اینکه ما این قدر میگوییم و میشنویم که باید مردمی باشیم، یعنی این. مردمی بودن به ادعاکردن نیست. با مردم، با زندگی مردم کنار بیاییم، مثل مردم زندگی کنیم، با طبقات مختلف مردم انس بگیریم. این، معنای مردمی بودن است. بعضی از ماها که حالا معمم هستیم، اگر مثلا یک آدم ذی‌شانی، آدم محترمی باشد، خب، سلام علیک میکنیم، گرم میگیریم، اگر کاری با ما داشته باشد گوش میکنیم، آقا! یک استخاره‌ای بکنید، قرآن را درمی‌آوریم و یک استخاره‌ای برایش [میگیریم]. اگر یک آدم فرودستی باشد، یک آدم مثلا [سطح] پائینی باشد؛ نه، اعتنا و اهتمامی نمیکنیم! این، خلاف سیره‌ی رسول الله است. سیره‌ی پیغمبر این است که با فقرا و با ضعفا و مانند اینها کنار می‌آمد. به شئون ظاهری و آن چیزهایی که به حسب ظاهر موجب جلال و شوکت و این چیزها است، اهمیتی نمیداد. وضع زندگی پیغمبر این طور بود؛ این برای ما واقعا درس است. حالا ما البته نه توقع داریم، نه میشود توقع داشت که مثل آن بزرگوار یا مثل امیرالمومنین رفتار کنیم؛ نه، خب، وضع آنها وضع دیگری است، جایگاهشان جایگاه دیگری است اما آن را بایستی ملاک قرار بدهیم. آن را مثل یک نشانه‌ای [قرار دهیم]؛ شما فرض کنید از یک دامنه‌ی کوهی دارید میروید بالا، آن قله مورد نظرتان است، به قله نمیرسید اما به طرف قله میروید، حرکت به آن سمت میکنید؛ باید اینجوری باشد.

شرح حدیثی درباره سیره مردمی پیامبر اعظم(ص) / ۱۳۹۸/۱۰/۰۳

اینکه ما این قدر میگوییم و میشنویم که باید مردمی باشیم، یعنی این. مردمی بودن به ادعاکردن نیست. با مردم، با زندگی مردم کنار بیاییم، مثل مردم زندگی کنیم، با طبقات مختلف مردم انس بگیریم. این، معنای مردمی بودن است. بعضی از ماها که حالا معمم هستیم، اگر مثلا یک آدم ذی‌شانی، آدم محترمی باشد، خب، سلام علیک میکنیم، گرم میگیریم، اگر کاری با ما داشته باشد گوش میکنیم، آقا! یک استخاره‌ای بکنید، قرآن را درمی‌آوریم و یک استخاره‌ای برایش [میگیریم]. اگر یک آدم فرودستی باشد، یک آدم مثلا [سطح] پائینی باشد؛ نه، اعتنا و اهتمامی نمیکنیم! این، خلاف سیره‌ی رسول الله است. سیره‌ی پیغمبر این است که با فقرا و با ضعفا و مانند اینها کنار می‌آمد. به شئون ظاهری و آن چیزهایی که به حسب ظاهر موجب جلال و شوکت و این چیزها است، اهمیتی نمیداد. وضع زندگی پیغمبر این طور بود؛ این برای ما واقعا درس است. حالا ما البته نه توقع داریم، نه میشود توقع داشت که مثل آن بزرگوار یا مثل امیرالمومنین رفتار کنیم؛ نه، خب، وضع آنها وضع دیگری است، جایگاهشان جایگاه دیگری است اما آن را بایستی ملاک قرار بدهیم. آن را مثل یک نشانه‌ای [قرار دهیم]؛ شما فرض کنید از یک دامنه‌ی کوهی دارید میروید بالا، آن قله مورد نظرتان است، به قله نمیرسید اما به طرف قله میروید، حرکت به آن سمت میکنید؛ باید اینجوری باشد.

بیانات در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه قضائیه / ۱۳۹۹/۰۴/۰۷

یک نکته هم مسئله‌ی مردمی بودن است که بنده قبلاً هم این را مکرر گفته‌ام، حالا هم در گزارش جناب آقای رئیسی مسئله‌ی مردمی بودن بود؛ خب، مردمی بودن شوقی دارد، مصادیقی دارد؛ یک جنبه‌ی مردمی بودن این است که قوه‌ی قضائیه خودش را دارای شأن و روحیه‌ی خدمتگزاری به مردم بداند؛ نگاه، از بالا نباشد؛ گاهی نگاه‌های ما به مردم ممکن است [جوری باشد] که انه از بالا نگاه میکنیم به مردم؛ نخیر، ما جزو مردمیم، بین مردمیم، خیلی از این مردم از ما بالاتر هم هستند و بنابراین اینکه کسی از موضع بالا به آحاد مردم نگاه کند غلط است؛ بنابراین روحیه‌ی خدمتگزاری [مهم است]. ما باید خودمان را خدمتگزار مردم بدانیم؛ هر کدام ما در هر جایی که هستیم. این یکی از جنبه‌های مردمی بودن است. یک جنبه‌ی دیگر این است که ما کاری کنیم که دسترسی مردم به قوه‌ی قضائیه آسان بشود. یکی از کارهای مهم این است که مردم براحتی بتوانند به مراکز مورد نیازشان در قوه‌ی قضائیه دسترسی داشته باشند.

...

یکی هم به معنای حضور در بین مردم است که خب الحمدلله من میبینم مسئولین قوه‌ی قضائیه -خود جناب آقای رئیسی و بعضی دیگر- راحت بین مردم حضور پیدا میکنند؛ این خیلی خوب است؛ یعنی با مردم مواجه بشوید، در بین مردم حضور پیدا کنید؛ این هم یک نقطه است. بنابراین اینها جهات مختلف و مصادیق مختلف مردمی بودن است.

بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی / ۱۴۰۰/۰۳/۰۶

بحمدالله حضور نیروهای جوان و پرتوان در کنار نیروهایی که یا سوابق تقنینی دارند یا سوابق اجرائی دارند، موجب شده است که این مجلس بحمدالله توفیقات خوبی را به دست بیاورد؛ هم در زمینه‌ی تصویب تعداد معتنابهی از لوایح و طرحها در موضوعات مهم و هم در زمینه‌ی حضور مردمی؛ حضور در میان مردم و دیدن صحنه‌های واقعی زندگی مردم که این سفرهای استانی رئیس محترم مجلس و روسای کمیسیون‌ها و بعضی از نمایندگان محترم حقیقتا حرکت و اقدام بسیار خوبی است و باید ان‌شاالله ادامه پیدا کند. عزیزان من! حضور در کنار مردم را ترک نکنید. یکی از موفقیتهای بزرگ این است که بتوانید در کنار مردم باشید و در کنار مردم بمانید.

بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه / ۱۴۰۰/۰۴/۰۷

بنده متاسفانه حالاها کمتر توفیق دارم که با مردم ارتباط زیادی داشته باشم اما سالهای متمادی همیشه بنده با مردم خیلی ارتباط داشتم؛ میدیدم که خیلی چیزها را در ملاقاتها، در حضور مردمی، در جلسات و مانند اینها انسان میفهمد و درک میکند که با کاغذ و با نوشته و گزارش و مانند اینها نمیشود آنها را فهمید.
نکته‌ی بعدی درباره‌ی همین حضور مردمی است؛ همین که حالا اشاره کردم. یکی از نقاط قوت کار جناب آقای رئیسی در قوه‌ی قضائیه همین رفتن بین مردم بود. این را ترک نکنید؛ مسئولان محترم قوه بعد از ایشان این را ترک نکنند. این کار بسیار خوب و مهمی است و همین طور که عرض کردم برکات زیادی دارد؛ هم رفتن داخل مردم، هم ارتباط داشتن با گروه‌های فعال جامعه؛ فعالان دانشگاهی، فعالان حوزه‌ای، فعالان اقتصادی، فعالان بخش مربوط به مسائل زنان که یک عده‌ای در این قضیه فعالند؛ یا مسئله‌ی اقوام؛ ارتباط با اینها خیلی مهم است. اینکه مسئولین قوه، بخصوص رئیس قوه با مجموعه‌هایی که در این زمینه‌ها مشغول کارند، ارتباط داشته باشد، خیلی چیز مهمی است. خیلی از چیزها هست در زمینه‌ی تولید که انسان تا با همین کسانی که در مسائل تولید فعالند -مسئولین کارگری، کارگرها- تماس نداشته باشد و از آنها نشنود، نمیتواند بفهمد حقیقت قضیه چیست. ارتباط با این گروه‌های فعال هم یک بخشی از حضور مردمی و ارتباط مردمی است که باید توجه به آن داشته باشیم. فایده‌اش اولا این است که هم میتوانید از آنها بشنوید حرفها را، ثانیا برای آنها تبیین کنید؛ خیلی اوقات است یک سیاستهایی را دستگاه‌های مختلف دارند که بعضی‌ها از بیرون معترض میشوند؛ غرضی هم ندارند، [بلکه] بر اثر بی‌اطلاعی معترض میشوند؛ یعنی باطن این تصمیم را، یا استدلال بر این تصمیم را نمیدانند؛ چون نمیدانند، معترض میشوند. خیلی خب، برای آنها تبیین کنید؛ بعضی از چیزها هست که باید تبیین بشود و گفته بشود.

بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه / ۱۴۰۰/۰۴/۰۷

بنده متاسفانه حالاها کمتر توفیق دارم که با مردم ارتباط زیادی داشته باشم اما سالهای متمادی همیشه بنده با مردم خیلی ارتباط داشتم؛ میدیدم که خیلی چیزها را در ملاقاتها، در حضور مردمی، در جلسات و مانند اینها انسان میفهمد و درک میکند که با کاغذ و با نوشته و گزارش و مانند اینها نمیشود آنها را فهمید.
نکته‌ی بعدی درباره‌ی همین حضور مردمی است؛ همین که حالا اشاره کردم. یکی از نقاط قوت کار جناب آقای رئیسی در قوه‌ی قضائیه همین رفتن بین مردم بود. این را ترک نکنید؛ مسئولان محترم قوه بعد از ایشان این را ترک نکنند. این کار بسیار خوب و مهمی است و همین طور که عرض کردم برکات زیادی دارد؛ هم رفتن داخل مردم، هم ارتباط داشتن با گروه‌های فعال جامعه؛ فعالان دانشگاهی، فعالان حوزه‌ای، فعالان اقتصادی، فعالان بخش مربوط به مسائل زنان که یک عده‌ای در این قضیه فعالند؛ یا مسئله‌ی اقوام؛ ارتباط با اینها خیلی مهم است. اینکه مسئولین قوه، بخصوص رئیس قوه با مجموعه‌هایی که در این زمینه‌ها مشغول کارند، ارتباط داشته باشد، خیلی چیز مهمی است. خیلی از چیزها هست در زمینه‌ی تولید که انسان تا با همین کسانی که در مسائل تولید فعالند -مسئولین کارگری، کارگرها- تماس نداشته باشد و از آنها نشنود، نمیتواند بفهمد حقیقت قضیه چیست. ارتباط با این گروه‌های فعال هم یک بخشی از حضور مردمی و ارتباط مردمی است که باید توجه به آن داشته باشیم. فایده‌اش اولا این است که هم میتوانید از آنها بشنوید حرفها را، ثانیا برای آنها تبیین کنید؛ خیلی اوقات است یک سیاستهایی را دستگاه‌های مختلف دارند که بعضی‌ها از بیرون معترض میشوند؛ غرضی هم ندارند، [بلکه] بر اثر بی‌اطلاعی معترض میشوند؛ یعنی باطن این تصمیم را، یا استدلال بر این تصمیم را نمیدانند؛ چون نمیدانند، معترض میشوند. خیلی خب، برای آنها تبیین کنید؛ بعضی از چیزها هست که باید تبیین بشود و گفته بشود.

انتصاب حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای به ریاست قوه قضائیه / ۱۴۰۰/۰۴/۱۰

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ غلامحسین محسنی اژه‌ای دامت تاییداته
اکنون که جناب آقای رئیسی با رای ملت ایران توفیق خدمت در جایگاه ریاست جمهوری اسلامی ایران یافته‌اند، با تشکر فراوان از خدمات ارزنده‌ی ایشان در مدت مسئولیت قضائی و کارنامه‌ی افتخارآمیزی که در پایه‌گذاری اقدامات ماندگار از خود به جای گذاشته‌اند، جناب‌عالی را که علاوه بر صلاحیتهای قانونی، برخوردار از تجربه‌ی گرانبها و شناخت عمیق و سابقه‌ی درخشان در امر قضا میباشید، بر اساس اصل یکصد و پنجاه و هفت، به ریاست قوه‌ی قضائیه منصوب میکنم.
انتظار اینجانب، ... ارتباط با متن مردم و حضور در میان آنان که دارای برکات بسیار است.

انتصاب حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای به ریاست قوه قضائیه / ۱۴۰۰/۰۴/۱۰

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ غلامحسین محسنی اژه‌ای دامت تاییداته
اکنون که جناب آقای رئیسی با رای ملت ایران توفیق خدمت در جایگاه ریاست جمهوری اسلامی ایران یافته‌اند، با تشکر فراوان از خدمات ارزنده‌ی ایشان در مدت مسئولیت قضائی و کارنامه‌ی افتخارآمیزی که در پایه‌گذاری اقدامات ماندگار از خود به جای گذاشته‌اند، جناب‌عالی را که علاوه بر صلاحیتهای قانونی، برخوردار از تجربه‌ی گرانبها و شناخت عمیق و سابقه‌ی درخشان در امر قضا میباشید، بر اساس اصل یکصد و پنجاه و هفت، به ریاست قوه‌ی قضائیه منصوب میکنم.

انتظار اینجانب، ... ارتباط با متن مردم و حضور در میان آنان که دارای برکات بسیار است.

بیانات در مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران / ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

یک توصیه به رئیس‌جمهور محترم این است که در شعارهای ایشان مسئله‌ی مردمی بودن و از مردم شنیدن و در میان مردم بودن تکرار شده؛ این را از دست ندهند؛ این چیز بسیار مهمی است. «دولت مردمی» را که شعار ایشان بود، در واقعیت محقق کنند و به معنای واقعی کلمه با مردم، در کنار مردم، در میان مردم باشند. مردم یعنی همه‌ی مردم؛ بدون امتیازهای طبقاتی و گروهی. البته حضور در میان مردم -که سابقه‌ی این کار را هم ایشان دارند- نباید افراد را از ارتباط با نخبگان غافل کند. ارتباط با نخبگان هم در جای خود یک حرکت بسیار لازم و مفید است؛ تبادل نظر با نخبگان، و استفاده‌ی از نظر نخبگان.

...

گفتگوی صادقانه‌ی با مردم هم یکی از همین کارهایی است که به مردمی بودن کمک میکند؛ حرف زدن با مردم از روی صداقت، با قطع نظر از پیرایه‌های سیاسی و مانند اینها؛ صادقانه با مردم حرف بزنند، مشکلات را به مردم بگویند، راه‌حل‌ها را به مردم بگویند، توقعات را از مردم ابراز کنند و کمکهای لازم را به مردم تقدیم کنند. حرف زدن با مردم یکی از کارهای مهمی است که دولت مردمی بایستی [به آن] متعهد باشد.

...

یک جنبه‌ی دیگر از مردمی بودن عبارت است از مبارزه‌ی با فساد. اگر ما به معنای واقعی کلمه میخواهیم در کنار مردم باشیم، باید بی‌امان با فساد و مفسد مبارزه کنیم که خب ایشان در مسئولیت قبلی، حرکت مبارزه‌ی با فساد را شروع کردند و اقدامات خوبی انجام گرفت؛ لکن اصل قضیه اینجا است، [یعنی] بسترهای فساد، زمینه‌های فساد در قوه‌ی مجریه تشکیل میشود؛ اینجا باید با فساد مبارزه کرد. این فرارهای مالیاتی، انحصارهای بی‌دلیل، سواستفاده از ارز ترجیحی، فعالیتهای ناسالم سوداگرانه، قاچاق و امثال اینها؛ اینها آن فسادهایی است که باید با اینها به معنای واقعی کلمه مواجه شد؛ با برنامه، با پیگیری.

بیانات در مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران / ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

یک توصیه به رئیس‌جمهور محترم این است که در شعارهای ایشان مسئله‌ی مردمی بودن و از مردم شنیدن و در میان مردم بودن تکرار شده؛ این را از دست ندهند؛ این چیز بسیار مهمی است. «دولت مردمی» را که شعار ایشان بود، در واقعیت محقق کنند و به معنای واقعی کلمه با مردم، در کنار مردم، در میان مردم باشند. مردم یعنی همه‌ی مردم؛ بدون امتیازهای طبقاتی و گروهی. البته حضور در میان مردم -که سابقه‌ی این کار را هم ایشان دارند- نباید افراد را از ارتباط با نخبگان غافل کند. ارتباط با نخبگان هم در جای خود یک حرکت بسیار لازم و مفید است؛ تبادل نظر با نخبگان، و استفاده‌ی از نظر نخبگان.

...

گفتگوی صادقانه‌ی با مردم هم یکی از همین کارهایی است که به مردمی بودن کمک میکند؛ حرف زدن با مردم از روی صداقت، با قطع نظر از پیرایه‌های سیاسی و مانند اینها؛ صادقانه با مردم حرف بزنند، مشکلات را به مردم بگویند، راه‌حل‌ها را به مردم بگویند، توقعات را از مردم ابراز کنند و کمکهای لازم را به مردم تقدیم کنند. حرف زدن با مردم یکی از کارهای مهمی است که دولت مردمی بایستی [به آن] متعهد باشد.

...

یک جنبه‌ی دیگر از مردمی بودن عبارت است از مبارزه‌ی با فساد. اگر ما به معنای واقعی کلمه میخواهیم در کنار مردم باشیم، باید بی‌امان با فساد و مفسد مبارزه کنیم که خب ایشان در مسئولیت قبلی، حرکت مبارزه‌ی با فساد را شروع کردند و اقدامات خوبی انجام گرفت؛ لکن اصل قضیه اینجا است، [یعنی] بسترهای فساد، زمینه‌های فساد در قوه‌ی مجریه تشکیل میشود؛ اینجا باید با فساد مبارزه کرد. این فرارهای مالیاتی، انحصارهای بی‌دلیل، سواستفاده از ارز ترجیحی، فعالیتهای ناسالم سوداگرانه، قاچاق و امثال اینها؛ اینها آن فسادهایی است که باید با اینها به معنای واقعی کلمه مواجه شد؛ با برنامه، با پیگیری.

بیانات در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم / ۱۴۰۰/۰۶/۰۶

یک جلوه‌ی دیگر، مسئله‌ی اتخاذ سبک زندگی مردمی است؛ بی‌تکلف بودن در ممشیٰ و منش، دوری کردن از منشهای اشرافیگری و از موضع بالا به مردم نگاه کردن و مانند اینها؛ این هم یک جلوه‌ی دیگری است از مردمی بودن که از این منشهای اشرافیگری که معمول است در دنیا، و همه‌ی دولتها و مسئولیتها و مسئولین مبتلا هستند به این جور نگاه به مردم، به این جور روش زندگی، باید اجتناب کرد.

حرف زدن با مردم و مشکلات را و راه‌حل‌ها را با مردم در میان گذاشتن هم یکی از جلوه‌های مردمی بودن است. مسائلتان را با مردم مطرح کنید. یک وقت مشکلی وجود دارد، راه‌حلی [هم] وجود دارد. البته سعی کنید حرف زدن شما موجب یاس مردم نشود که بعضی بی‌توجهی میکنند به این نکته و حرف نامناسب و خلاف واقع میزنند که موجب ناامیدی مردم میشود؛ نه، هر مشکلی راه‌حلی هم دارد. با مردم در میان بگذارید، با مردم حرف بزنید، از مردم کمک بخواهید در موارد مختلف، هم کمک فکری، هم کمک عملی. در یک جاهایی یک خطایی اتفاق می‌افتد -خب همه‌ی ماها اشتباه میکنیم دیگر؛ خطا در کار ماها کم نیست- از مردم عذرخواهی کنید؛ صریحا [بگویید] این اشتباه شده، از مردم عذرخواهی کنید. مردمی بودن این جهات مختلف را دارد. گزارش خدمات خودتان را هم به مردم بدهید؛ گزارش صادقانه، بدون مبالغه، بدون بزرگ‌نمایی؛ صادقانه [بگویید] این کارها را انجام داده‌اید.مردمی بودن اینها است؛ اینها جهات مختلف مردمی بودن است.

امیرالمومنین (سلام الله علیه) در این فرمان بسیار مهم حکومتی‌شان به مالک اشتر به همه‌ی این چیزها پرداخته‌اند؛ توصیه میکنم که دوستان مراجعه کنید، نگاه کنید، این فرمان را ببینید. در همین زمینه عبارت ایشان [این است:] فلا تطولن -یک احتمال هم فلا تطولن، یا فلا یطولن- احتجابک عن رعیتک؛ از مردم در مدت‌زمان طولانی غایب نباش. البته مسئول نمیتواند دائم بین مردم باشد اما در برهه‌هایی باید حتما در میان مردم حاضر باشید. لا تطولن، طول نده احتجاب از مردم را. بعد در این مورد چند جمله بیان میفرمایند، بعد میفرمایند: و ان ظنت الرعیه بک حیفا فاصحر لهم بعذرک؛ اگر چنانچه یک گرهی در ذهن مردم پیدا شد، یک شبهه‌ای در ذهنشان نسبت به تو پیدا شد، بیا عذر خودت را با مردم درمیان بگذار، صریحا با مردم حرف بزن، صحبت کن. ببینید، اصلا رابطه‌ی حاکم و مردم یک رابطه‌ی این جوری است؛ رابطه‌ی برادرانه است، رابطه‌ی دوستانه است. و اعدل عنک ظنونهم باصحارک؛(۱) اگر شبهه‌ای دارند، با این سخن گفتن خودت و حرف زدن خودت، و بیان خودت، شبهه را از ذهنشان برطرف کن. این توضیحی [بود] در مورد مردمی بودن. بنابراین سعی کنید اینها را واقعا داشته باشید؛ همه‌ی بخشهای مختلف، این خصوصیت را داشته باشند.

مسئله‌ی بعدی عدالت‌ورزی است که خب اساس حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی بر اقامه‌ی عدل است، کما اینکه اساس همه‌ی ادیان بر اقامه‌ی عدل است. خدای متعال میفرماید که ما پیغمبران را فرستادیم، کتابهای آسمانی را فرستادیم، لیقوم الناس بالقسط؛(۲) اصلا برای اینکه مردم قیام به قسط کنند و جامعه، جامعه‌ی عدالت‌آمیز باشد. خب ما در این زمینه‌ها عقبیم، خیلی باید کار کنیم، خیلی باید تلاش کنیم. به نظر من هر مصوبه‌ای که شما تصویب میکنید، هر لایحه‌ای که در دولت تنظیم میکنید، هر بخشنامه‌ای که خود شما در دستگاه خودتان صادر میکنید، یک پیوست عدالت باید داشته باشد؛ باید مراقب باشید این روش، این کار، این دستور، ضربه‌ای به عدالت نزند، طبقات مظلوم را پایمال نکند؛ این مراقبت باید همیشه باشد؛ حالا یا با یک پیوست مکتوب یا بالاخره از لحاظ نوع تنظیم جوری باشد که این طور باشد

بیانات در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم / ۱۴۰۰/۰۶/۰۶

مردمی بودن مقوله‌ی گسترده‌ای است و جلوه‌هایی دارد. یک جلوه همین رفتن میان مردم و شنیدن بی‌واسطه از مردم است. این حرکت بسیار خوب و مستحسنی که دیروز جناب آقای رئیسی انجام دادند که رفتند خوزستان در میان مردم، با مردم، از آنها شنیدند، با آنها حرف زدند، این یک جلوه‌ی از مردمی بودن است که بسیار کار خوبی است.

یک جلوه‌ی دیگر، مسئله‌ی اتخاذ سبک زندگی مردمی است؛ بی‌تکلف بودن در ممشیٰ و منش، دوری کردن از منشهای اشرافیگری و از موضع بالا به مردم نگاه کردن و مانند اینها؛ این هم یک جلوه‌ی دیگری است از مردمی بودن که از این منشهای اشرافیگری که معمول است در دنیا، و همه‌ی دولتها و مسئولیتها و مسئولین مبتلا هستند به این جور نگاه به مردم، به این جور روش زندگی، باید اجتناب کرد.

حرف زدن با مردم و مشکلات را و راه‌حل‌ها را با مردم در میان گذاشتن هم یکی از جلوه‌های مردمی بودن است. مسائلتان را با مردم مطرح کنید. یک وقت مشکلی وجود دارد، راه‌حلی [هم] وجود دارد. البته سعی کنید حرف زدن شما موجب یاس مردم نشود که بعضی بی‌توجهی میکنند به این نکته و حرف نامناسب و خلاف واقع میزنند که موجب ناامیدی مردم میشود؛ نه، هر مشکلی راه‌حلی هم دارد. با مردم در میان بگذارید، با مردم حرف بزنید، از مردم کمک بخواهید در موارد مختلف، هم کمک فکری، هم کمک عملی. در یک جاهایی یک خطایی اتفاق می‌افتد -خب همه‌ی ماها اشتباه میکنیم دیگر؛ خطا در کار ماها کم نیست- از مردم عذرخواهی کنید؛ صریحا [بگویید] این اشتباه شده، از مردم عذرخواهی کنید. مردمی بودن این جهات مختلف را دارد. گزارش خدمات خودتان را هم به مردم بدهید؛ گزارش صادقانه، بدون مبالغه، بدون بزرگ‌نمایی؛ صادقانه [بگویید] این کارها را انجام داده‌اید.مردمی بودن اینها است؛ اینها جهات مختلف مردمی بودن است.

امیرالمومنین (سلام الله علیه) در این فرمان بسیار مهم حکومتی‌شان به مالک اشتر به همه‌ی این چیزها پرداخته‌اند؛ توصیه میکنم که دوستان مراجعه کنید، نگاه کنید، این فرمان را ببینید. در همین زمینه عبارت ایشان [این است:] فلا تطولن -یک احتمال هم فلا تطولن، یا فلا یطولن- احتجابک عن رعیتک؛ از مردم در مدت‌زمان طولانی غایب نباش. البته مسئول نمیتواند دائم بین مردم باشد اما در برهه‌هایی باید حتما در میان مردم حاضر باشید. لا تطولن، طول نده احتجاب از مردم را. بعد در این مورد چند جمله بیان میفرمایند، بعد میفرمایند: و ان ظنت الرعیه بک حیفا فاصحر لهم بعذرک؛ اگر چنانچه یک گرهی در ذهن مردم پیدا شد، یک شبهه‌ای در ذهنشان نسبت به تو پیدا شد، بیا عذر خودت را با مردم درمیان بگذار، صریحا با مردم حرف بزن، صحبت کن. ببینید، اصلا رابطه‌ی حاکم و مردم یک رابطه‌ی این جوری است؛ رابطه‌ی برادرانه است، رابطه‌ی دوستانه است. و اعدل عنک ظنونهم باصحارک؛(۲) اگر شبهه‌ای دارند، با این سخن گفتن خودت و حرف زدن خودت، و بیان خودت، شبهه را از ذهنشان برطرف کن. این توضیحی [بود] در مورد مردمی بودن. بنابراین سعی کنید اینها را واقعا داشته باشید؛ همه‌ی بخشهای مختلف، این خصوصیت را داشته باشند.

بیانات در ارتباط تصویری با مردم قم / ۱۴۰۰/۱۰/۱۹

یک نکته‌ی دیگر، مسئله‌ی مردمی بودن است. خب بحمدالله دولتی که امروز بر سر کار است، ارتباطاتش با مردم خوب است؛ به میان مردم میرود، در بین مردم حضور دارد؛ یک حرکت مردمی، گرایش مردمی محسوس است که این را باید تکمیل کرد؛ اولا ادامه پیدا کند. حالا بعضی همین را هم زیر سوال میبرند که [باید] به اینها اعتنا نشود. واقعا حضور در بین مردم ولو برای دولتمردان خسته‌کننده است -این کار سختی است، کار آسانی نیست- اما بسیار موثر است، بسیار خوب است و این ادامه پیدا کند. ثانیا به وعده‌هایی که به مردم داده میشود عمل بشود؛ باید در موعد خود به این وعده‌ها عمل بشود که مردم بدانند جدیت هست. آنجایی که عمل به این وعده امکان‌پذیر نیست -مواردی پیش می‌آید که یک وعده‌ای داده شده ولی در عمل، امکانات فراهم نمیشود- آنجا، بروند برای همان مردمی که به آنها این وعده داده شده، صریح، واضح توضیح بدهند، بگویند علت اینکه این کار را نتوانستیم بکنیم این است و انشاالله مثلا خواهیم کرد؛ این هم این [مورد] که عمل به وعده‌ها است.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

یا در زمینه‌ی آئین حکمرانی اسلامی؛ یکی از موضوعاتی که بسیار مهم است و میتوان این را مطرح کرد، مسئله‌ی حکمرانی اسلامی است. حکمرانی در منطق اسلام از بن و بنیاد با حکمرانی‌های رایج جهان متفاوت است؛ نه شبیه سلطنت است، نه شبیه ریاست‌جمهوری‌های امروز دنیا است، نه شبیه فرماندهی‌ها است، نه شبیه روسای کودتاگر است؛ شبیه هیچ کدام از اینها نیست؛ یک چیز خاصی است متکی به مبانی معنوی. سبک حکمرانی اسلامی این است: مردمی بودن، دینی بودن، اعتقادی بودن، اشرافی نبودن، مسرف نبودن، ظالم نبودن؛ نه ظالم [و نه مظلوم]: لا اظلمن و انت مطیق للدفع عنی و لا اظلمن و انت القادر علی القبض منی. در این دعاهای صحیفه‌ی سجادیه [هست]؛ اینها هر کلمه‌کلمه‌اش مبانی مهم معرفتی است؛ اینها چیزهایی است که سلاحهای جدید ما است، باید از اینها استفاده کرد.

پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۱ / ۱۴۰۰/۱۲/۲۹

سال ۱۴۰۰ هم به پایان رسید با همه‌ی شیرینی‌ها و تلخی‌ها و فرازها و فرودها که در زندگی طبیعی است. زندگی مجموعه‌ای از همین فراز و فرودها و شیرینی‌ها و تلخی‌هاست. اشاره کنم به چند اوج از حوادث ملت ایران، چند فراز، چند شیرینی بزرگ که یکی از آنها مسئله‌ی انتخابات بود. انتخابات حقیقتا مهم بود، بزرگ بود. در عین شدت بیماری همه‌گیر، بیماری کرونا در اوائل سال ۱۴۰۰، مردم آمدند پای صندوقهای رای، و رای دادند. خیلی مهم است. در حالیکه اجتماع دو نفر در یک نقطه خطرناک بود. آن روزهایی که ما صدها نفر در روز تلفات داشتیم، شاید پانصد، ششصد و شاید هم بیشتر. در یک چنین شرایطی انتخابات برگزار شد. مردم آمدند شرکت کردند و خب دولتی تازه‌نفس به میدان آمد که آنطوری که قرائن نشان میدهد، دولتی مردمی و علاقه‌مند به حرکتها و هدفهای مردمی و دارای ریل جداگانه‌ای غیر از دولت محترم قبلی در حال حرکت هستند و امیدهایی را در مردم زنده کرده‌اند بحمدالله. این یکی از فرازها و اوجهای حوادث ملت ایران بود.

انتصاب حجت‌الاسلام حسینی به امامت جمعه و نمایندگی ولی‌فقیه در کاشان / ۱۴۰۱/۰۱/۱۰

گذشته‌ی کاشان سرشار از افتخارات علمی و ادبی، و تاریخ معاصر آن مزین به مجاهدت انقلابی و بصیرت دینی و سیاسی است، و این همه به برکت ایمان و مسئولیت‌پذیری مردم عزیز آن خطه‌ی نخبه‌پرور و با استعداد است. از شما انتظار دارم با همه توان در خدمت نیازهای معنوی و فکری و اجتماعی آنان بوده و بویژه جوانان عزیز را با زبان و عمل در جهت اعتلای دینی و انقلابی کمک نمائید. تکریم خانواده‌های معزز شهیدان و ایثارگران وظیفه‌ی همیشگی همه‌ی ما است و لازم است به آن توجه ویژه نمائید. محتوای خطبه‌های نماز جمعه و دیگر نشستهای دینی و تبلیغی را به‌گونه‌ی شایسته ارتقا دهید، و رفتار مردمی را شیوه‌ی همیشگی خود قرار دهید.

بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۴۰۱/۰۱/۲۳

یک مسئله‌ی مهم، مسئله‌ی مردمی بودن است که آقای رئیس‌جمهور اشاره کردند و درست هم هست؛ این حضور در بین مردم و این سفرهای استانی یک کار بسیار باارزشی است، کار خوبی است و گره‌گشا است. یک چیزهایی هست که انسان تا در عرصه‌ی میدانی مشاهده نکند یا انسان خودش نبیند یا از مردمی که در عرصه حضور دارند نشنود یا اخبار موثقی را کسانی که میروند و می‌بینند به انسان منتقل نکنند ـ تا این نباشد ـ نمیشود واقعیات را فهمید و بر اساس آنها برنامه‌ریزی کرد. مردمی بودن خیلی مهم است، منتها یکی از مهم‌ترین مسائل مردمی بودن، مردمی ماندن است؛ مردمی بمانید، خسته نشوید. صبری که عرض کردیم، یکی از مواردش اینجا است. این جور نباشد که ما اول کار مردمی باشیم، بعد بتدریج خسته بشویم، نه؛ واقعا مردمی بمانید. منظورم این نیست که حتما

این سفرهای استانی باید تا آخر دوره دنبال بشود، نه؛ ممکن است یک جایی متوقف بشود، اشکالی هم ندارد اما مردمی بودن فقط سفرهای استانی نیست؛ ارتباط با مردم، شنیدن از مردم، شنیدن نکات، که گاهی نکاتی از مردم عادی شنیده میشود که از مشاورین کارکشته‌ی کارکرده‌ی نزدیک انسان شنیده نمیشود؛ انسان از آن بیشتر استفاده میکند؛ ارتباط با مردم و گزارشهای مردمی این [حسن] را دارد.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۴۰۱/۰۲/۰۶

من ـ صحبت حالا نیست، صحبت چهل سال پیش است ـ هر هفته یک روز میرفتم دانشگاه تهران ـ بدون استثنا ـ و دانشجوها جمع میشدند سوالاتشان را مطرح میکردند، من جواب میدادم؛ خیلی از گره‌ها باز میشد، خیلی از عقده‌ها حل میشد. یک جاهایی هم بود که اشکال، پاسخ نداشت؛ ما میفهمیدیم که مثلا بایستی برویم یک کاری بکنیم. این را یک جوری باید درست کرد. من خب سفارش کردم به مسئولین؛ هم وزرا باید بیایند با شماها صحبت کنند، هم مسئولین دستگاه‌های مختلف ـ حالا مثلا اسم ستاد کل آورده شد، اسم سپاه آورده شد ـ خب بیایند حرف بزنند، بیایند بگویند. خیلی از این حرفها قابل توضیح است. بله، یک جاهایی هم ممکن است قابل توضیح نباشد، خب طرف مقابل میفهمد که باید برود یک کاری بکند، اقدامی بکند.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی / ۱۴۰۱/۰۳/۰۴

انقلابی چیست؟ من چند تا شاخص برای نماینده‌ی انقلابی عرض کردم. شماها الحمدلله موفقید دیگر، خدای متعال به شما توفیق داده، در مجلس هستید، دارید کارهای خوبی میکنید... بحمدالله مشغولید لکن در عین حال تذکر خوب است. بدانیم اگر بخواهیم نماینده‌ی انقلابی بمانیم چه کار کنیم. من چند نکته را اینجا نوشته‌ام... یکی دیگر از شاخصها مردمی بودن است؛ مردمی بودن یعنی چه؟ مردمی بودن یعنی با مردم عادی معمولی مخلوط شدن، نشست و برخاست کردن، هم گوش شنوا برای شنیدن حرف مردم داشتن، هم زبان گویا برای روشن کردن ذهن مردم داشتن. اینکه ما برویم در یک جمعی از مردم، یک داعیه‌ای دارند، یک خواسته‌ای دارند، حرفشان را بشنویم و بعد هم بگوییم «بله، صد درصد حق با شما است و این کسانی که گوش نمیکنند، عمل نمیکنند، چنین و چنان هستند»، نه، [کافی نیست]؛ یک وقتهایی هست یک گرهی در ذهن مردم هست، شماها باید این گره را باز کنید؛ این «جهاد تبیین» که ما عرض کردیم، شامل این موارد میشود. مشکلاتی وجود دارد؛ فرض کنید فلان قشر یک مطالبه‌ای دارد، خب شما نماینده‌ی مجلسید، از مصرف کشور و درآمد کشور مطلعید، میدانید که این عملی نیست؛ وقتی میدانید عملی نیست، منتظر نمانید که مثلا فلان نماینده‌ی اجرائی یا قضائی بیاید بگوید نمیتوانیم؛ نه، شما بگویید نمیشود؛ یعنی هم گوش برای شنیدن حرف مردم، هم زبان برای روشن کردن ذهن مردم داشته باشید. ممکن است در آن جمعی که مقابل شما هستند، دو نفر، سه نفر، ده نفر جماعتی هم بگویند «برو بابا! این هم [کاری نکرد]»! بگویند؛ شماها بایست [به وظیفه‌ی خودتان عمل کنید]. مردمی بودن یعنی این؛ اینکه میگوییم «مردمی»، مردمی، فقط این نیست که ما مثلا فرض کنید که همین طور مدام شعار طرفداری از مردم بدهیم؛ نه، باید به مردم کمک کنیم؛ «کمک»، هم شنیدن حرف آنها است، هم اجرا کردن خواسته‌ی آنها است در صورت امکان، هم روشن کردن ذهن آنها است در صورت وجود اشکال و عدم امکان.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی / ۱۴۰۱/۰۳/۰۴

یکی از شاخصه‌های نماینده‌ی انقلابی این است که با عموم مردم، با عامه‌ی مردم همراه است اما عوام‌زده نیست... همراهی با مردم، غیر از عوام‌زدگی و جوزدگی و تحت تاثیر های و هو قرار گرفتن است؛ نه.یکی از مهم‌ترین خصوصیات امام (رضوان اللّه‌علیه) همین بود؛ اگر یک وقتی یک نظری داشت که همه با او مخالف بودند و او معتقد بود که این نظر، نظر الهی و شرعی و درست است، می‌ایستاد؛ میگفت همه‌ی دنیا [هم] با من مخالف باشند، باشند. قرآن هم همین دستور را به پیغمبر میدهد: و ان تطع اکثر من فی الارض یضلوک عن سبیل اللّه؛(۱) این مطلب بارها در قرآن تکرار شده. نماینده‌ی انقلابی آن کسی است که جوزده نمیشود. شما یک قانون را تصویب کردید، به نظر شما قانون درستی هم بوده، یک عده‌ای مخالفت کردند، البته طبیعت کار این است که نگاه کنید ببینید آیا این مخالفین منطق درستی دارند یا ندارند؛ اگر منطق درستی داشتند البته میپذیرید، اگر منطق درستی نداشتند بایستید؛ بگویید بله، من تصویب کردم این قانون را، پایش هم می‌ایستم.

بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور / ۱۴۰۱/۰۵/۰۵

رفتار امام‌جمعه باید مردمی باشد؛ سلوک مردمی. «سلوک مردمی» چیست؟ این است که شما به عنوان یک فردی از مردم بروید بین مردم، با آنها حرف بزنید، از مردم فاصله نگیرید، فقط با یک جمع مخصوص و ممتازی نشست و برخاست نکنید و گاهی [اگر] لازم شد، خانه‌های مردم بروید، زیر سقفشان و روی فرشان بنشینید، با آنها احوالپرسی کنید. صرف این رفتن میان مردم، خود این یک کار مهم است. اینکه حالا بعضی‌ها درباره‌ی بازدیدهای مردمی بسیار باارزش مسئولین یک تعبیرات نامناسبی میکنند، این غلط است، این حقیقتا انحراف است. رفتن بین مردم، حرف زدن با مردم، گوش کردن به مردم [اهمیت دارد]. ممکن است آن حرفی را که او میزند شما قبول هم نداشته باشید؛ اما گوش کنید. عیبی هم ندارد که بعد بگویید خب من این را قبول ندارم؛ ایرادی ندارد، اما بگذارید بگوید. این هم یک موضوع که مسئله‌ی رفتن به [میان] مردم است. البته مردم می‌آیند توقعاتی از امام‌جمعه مطرح میکنند که مسئولش امام‌جمعه نیست، مسئولش فلان دستگاه دولتی است، فلان دستگاه قضائی است؛ به جای اینکه به آنجا مراجعه کنند، به امام‌جمعه که دم دستشان است مراجعه میکنند؛ البته این هست، میدانم، بنده خودم هم بوده‌ام، دیده‌ام، مشکل درست میکند برای امام‌جمعه؛ اما باید گفت به مردم که خب اینها کارهای ما نیست، مثلا مسئولین مشخصی دارد؛ اما در عین حال اگر مراجعه شد، گوش کنند. حالا البته این را هم حتما بگوییم که شبکه‌ی امامت جمعه تا امروز جزو مردمی‌ترین نهادهای انقلاب است؛ این هم معلوم باشد؛ یعنی باز وقتی انسان نگاه میکند به مجموعه‌ی نهادهای انقلابی ـ که خب بحمدالله برکاتشان زیاد است ـ یکی از مردمی‌ترین شبکه‌های انقلابی شبکه‌ی ائمه‌ی جمعه است.

یک توصیه‌ی دیگری که خیلی مهم است، ارتباط با جوانها است. برای این کار باید بنشینید ساز و کار فراهم کنید؛ یعنی ارتباط با جوانها این جوری نمیشود که بگویید جوانها بیایید، آنها هم بلند شوند بیایند! باید بنشینید فکر کنید راهکار پیدا کنید، ساز و کار باید پیدا کنید. امروز در سرتاسر کشور، مجموعه‌های خودجوش و گمنام و کم‌هزینه و بی‌ادعائی وجود دارند که کار فرهنگی میکنند، کار اجتماعی میکنند، خدمات ارائه میدهند، همه جای کشور هستند. بنده چون علاقه‌ی به این مجموعه‌ها دارم ـ گاهی تماس میگیرند یک چیزی میگویند، یک چیزی میخواهند ـ میدانم الان سرتاسر کشور و تقریبا در همه‌ی شهرها، شهرهای بزرگ، کوچک، مجموعه‌های این جوری وجود دارند؛ اینها را در شهر خودتان جستجو کنید، پیدا کنید، به آنها کمک کنید، دست نوازش به سرشان بکشید؛ اینها یک مجموعه‌ی جوانند. با جوان دانشجو، با جوان حوزوی ـ امروز در اغلب شهرهای ما، هم دانشگاه هست، هم حوزه‌ی علمیه هست؛ خب همه‌ی اینها جوانند دیگر ـ با این جوانها بنشینید صحبت کنید، بروید داخل مجموعه‌هایشان، بروید در مدرسه‌شان، در دانشگاهشان، با آنها حرف بزنید، آنها را دعوت کنید؛ یعنی ارتباط با جوانها برای خود امام‌جمعه هم مفید است و فایده‌ی معنوی دارد؛ چون نسلها طبعا زبان جدید و فکر جدید و ادبیات جدیدی معمولا تولید میکنند ـ طبیعت قضیه این است ـ دور نمانید از این حرکت جدید جوانها. وقتی رفتید داخل اینها و با اینها انس پیدا کردید، با زبان اینها، با ادبیات اینها، با اصطلاحات اینها بیشتر آشنا میشوید؛ این خیلی کمک میکند به شما برای ارتباط‌گیری با اینها. بخصوص با مجموعه‌های بسیجی، با این بچه‌های خوب که در همه‌ی استانها و در همه‌ی شهرها هستند، نشست و برخاست کنید.

یک جهت دیگر که توصیه‌ی ما است، شرکت در خدمات اجتماعی مردمی است که خب بعضی از ائمه‌ی محترم جمعه انصافا در این زمینه‌ها خوب درخشیدند. در زلزله، در سیل، در قضیه‌ی کرونا، در جمع کردن خدمات اجتماعی، کمکهای مردمی، کمکهای مومنانه، در مسائل گوناگون دیگر، ائمه‌ی جمعه وارد میدان شدند و کار کردند. این هم یکی از آن کارهایی است که به نظر ما خیلی خوب است. کمک به طبقات محروم و کمک به مستضعفان و محرومان جزو کارهای لازم شما باشد؛

یعنی ما طرف‌دار عدالتیم، پرچم عدالت را بلند میکنیم، لکن عدالت بدون کمک و رسیدگی به طبقه‌ی مستضعف و محروم و مانند اینها معنا ندارد؛ اگر شما بتوانید کمکی را برای طبقات محروم در آن مجموعه‌ی خودتان فراهم کنید، این جزو بهترین کارها است.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت / ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

توصیه‌ی سوم، همین مسئله‌ی رفتن به میان مردم است؛ این را از دست ندهید. بعضی‌ها جوسازی میکنند و یک اسمهایی رویش میگذارند که حالا بنده نمیخواهم تکرار کنم؛ اسیر این جوسازی‌ها نشوید؛ بروید با مردم روبه‌رو بشوید، حرف مردم را بشنوید، حلم به خرج بدهید. گاهی انسان خسته میشود ــ این جزو تجربه‌های خود بنده هم هست ــ گاهی انسان واقعا خسته میشود اما تحمل کنید، صبر کنید. این حضور بی‌واسطه و پرحجم آقای رئیس‌جمهور در میان مردم خیلی برکات دارد، آثار خیلی خوبی دارد؛ همچنین مسئولان دیگر دولت.

البته شما [دولتتان را] میگویید «دولت مردمی»؛ دولت مردمی فقط به این نیست که بروید میان مردم؛ این کار لازم است اما کافی نیست؛ باید بتوانید مشارکت مردم را در کارهای گوناگون و بخشهای گوناگون جلب کنید. من قبلا هم یک وقتی گفته‌ام این را، ظاهرا در جمع شما شاید گفتم که بنشینید کیفیت جلب مشارکت مردم را برنامه‌ریزی کنید، تعریف کنید که چه جور میشود مشارکت مردم را جلب کرد؛ چه در زمینه‌های مالی و اقتصادی، چه در زمینه‌های سیاسی، چگونه میشود از فکر مردم و از نظر مردم استفاده کرد در بخشهای مختلف.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی / ۱۴۰۲/۰۳/۰۳

یکی از امتیازات مجلس یازدهم که من اصرار دارم این را بگویم و به زبان بیاورم، ساده‌زیستی است؛ یعنی تا آنجایی که به من گزارش شده نسبت به بسیاری از افراد این مجلس، رفتار اشرافی‌مآبانه و نگاه از موضع بالا و به مردم بی‌اعتنائی کردن، یا نیست یا کمتر هست. حالا عرض کردم استثناهایی هم وجود دارد؛ یعنی استثناها هم الان جلوی چشم بنده هست، اما روش کلی این است؛ این روش کلی خیلی چیز خوبی است. اینها را از دست ندهید؛ من میخواهم عرض بکنم این نشستوبرخاست با مردم، این تواضع در مقابل مردم، این شنیدن حرف مردم را از دست ندهید. البته شنیدن حرف مردم غیر از وعده دادن به مردم است؛ یعنی این‌جور نباشد که وقتی در شهر خودتان در حوزه‌ی انتخابیه نشسته‌اید و آمدند شکایت کردند، شما همین‌طور وعده بدهید؛ نه، این وعده را نه شما میتوانید عمل کنید، گاهی مجلس هم نمیتواند عمل کند، گاهی کل نظام هم نمیتواند عمل کند. وعده ندهید؛ بشنوید، بگویید تلاش میکنیم، زحمت میکشیم، شاید حل بشود؛ یعنی شنیدن حرف مردم با چهره‌ی باز و روی خوش، بدون اخموتخم. بعضی‌ها با مردم اخموتخم میکردند! گفت:

چون وا نمیکنی گرهی، خود گره مباش
ابروگشاده باش چو دستت گشاده نیست

یعنی بالاخره با ابروی گشاده و با روی باز با مردم روبه‌رو شدن، اینها خیلی ارزش است، اینها اهمیت دارد؛ اینها را داشته باشید. این نقاط قوت را ــ که من عرض کردم و خود شما هم کاملا بهتر از من میدانید ــ برای این گفتیم که در این سال آخر، اینها را ادامه بدهید.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی / ۱۴۰۲/۰۳/۰۳

یکی از امتیازات مجلس یازدهم که من اصرار دارم این را بگویم و به زبان بیاورم، ساده‌زیستی است؛ یعنی تا آنجایی که به من گزارش شده نسبت به بسیاری از افراد این مجلس، رفتار اشرافی‌مآبانه و نگاه از موضع بالا و به مردم بی‌اعتنائی کردن، یا نیست یا کمتر هست. حالا عرض کردم استثناهایی هم وجود دارد؛ یعنی استثناها هم الان جلوی چشم بنده هست، اما روش کلی این است؛ این روش کلی خیلی چیز خوبی است. اینها را از دست ندهید؛ من میخواهم عرض بکنم این نشستوبرخاست با مردم، این تواضع در مقابل مردم، این شنیدن حرف مردم را از دست ندهید. البته شنیدن حرف مردم غیر از وعده دادن به مردم است؛ یعنی این‌جور نباشد که وقتی در شهر خودتان در حوزه‌ی انتخابیه نشسته‌اید و آمدند شکایت کردند، شما همین‌طور وعده بدهید؛ نه، این وعده را نه شما میتوانید عمل کنید، گاهی مجلس هم نمیتواند عمل کند، گاهی کل نظام هم نمیتواند عمل کند. وعده ندهید؛ بشنوید، بگویید تلاش میکنیم، زحمت میکشیم، شاید حل بشود؛ یعنی شنیدن حرف مردم با چهره‌ی باز و روی خوش، بدون اخموتخم. بعضی‌ها با مردم اخموتخم میکردند! گفت:

چون وا نمیکنی گرهی، خود گره مباش
ابروگشاده باش چو دستت گشاده نیست

یعنی بالاخره با ابروی گشاده و با روی باز با مردم روبه‌رو شدن، اینها خیلی ارزش است، اینها اهمیت دارد؛ اینها را داشته باشید. این نقاط قوت را ــ که من عرض کردم و خود شما هم کاملا بهتر از من میدانید ــ برای این گفتیم که در این سال آخر، اینها را ادامه بدهید.

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران / ۱۴۰۲/۰۵/۲۶
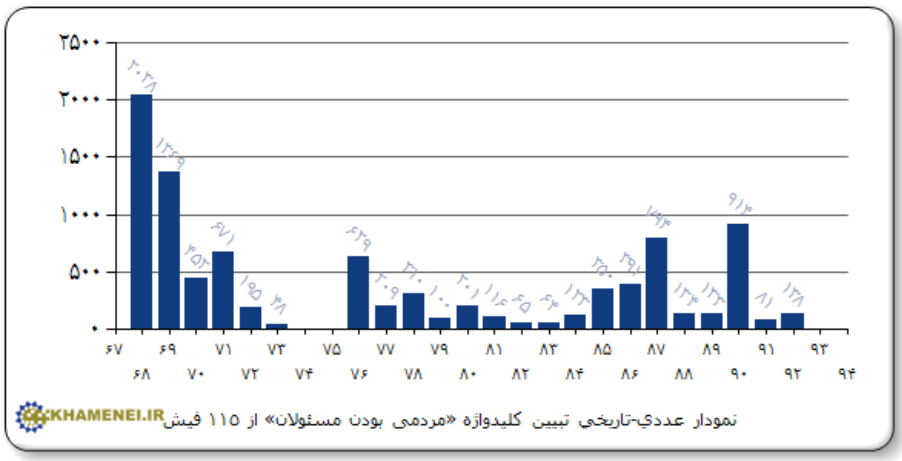
یک فصل مهم دیگر در زمینه‌ی عملکرد که این هم باید مورد توجه قرار بگیرد، اثرگذاری سپاه در فضای عمومی کشور است. طبیعی است یک مجموعه‌ای مثل سپاه با این خصوصیاتی که گفته شد، برای نسل جوان میتواند جذاب باشد و واقعا جذاب است. نیروی جوان نگاه میکند میبیند در این مجموعه، علم و عمل در هم تنیده است؛ قدرت سخت و قدرت نرم در هم تنیده است. قدرت سخت موشک و پهپاد و امثال اینها است، قدرت نرم حضور در بین مردم، حرف زدن با مردم، کمک به مردم؛ اینها هر دو [هست]. نگاه به آرمانها در کنار توجه به واقعیتها و پرداختن به واقعیتها در سپاه وجود دارد. ارتباط با مردم، حضور بسیجی در کنار مردم؛ اینها را وقتی نیروی جوان در یک مجموعه نگاه میکند، مجذوب میشود؛ اینها جذاب است برای نیروهای جوان.